

گفت‌وگو با مؤسس خیریه چرخ گردون که برای مددجویان کار آفرینی می‌کند

قرار مهربانی در مترو

خیریه چرخ گردون هم یک مؤسسه خیریه است، هم یک مؤسسه کارآفرینی. آن‌طور که مؤسسش می‌گوید در واقع این دو کار در کنار هم انجام می‌شوند. «سمیرا حشمتی» عقیده دارد پرداخت‌های مالی و غیرمالی به مستمندان در واقع عادت دادن آنها به این وضعیت و نوعی دامن زدن به تکدی‌گری است.

یکشنبه
 ۳۰ شهریور ۱۳۹۹
 سال شانزدهم / شماره ۷۷۰
 ۱۶ صفحه



مرور خاطرات ۸ سال جنگ تحمیلی در منطقه ۱۱

جبهه‌ای به وسعت محله‌های مرکزی شهر

صفحه ۸

روایت صبوری و استقامت اهالی بریاتک
 در روزهای تلخ موشکباران تهران

صفحه ۱۰





یادداشت
سروش جنبی
دبیر تحریریه

همه وطن برای سرباز وطن

وقتی هدایای مردمی به جبهه‌های نبرد می‌رسید، معمولاً نشانی و امضایی از فرستنده در آن پیدا می‌کردی که مثلاً از کدام شهر، روستا، مدرسه، مسجد یا محله فرستاده شده. در واقع، از سراسر میهن پهناورمان هدایایی بسیار متنوع با طیفی وسیع از کالاهای مورد نیاز رزمندگان به جبهه‌ها ارسال می‌شد؛ اما در این بین، بسیاری از کالاهای ارسالی با بازار تهیه نمی‌شدند بلکه از محصولات همان منطقه بودند یا به همت مردم تهیه، پخته، دوخته یا بافته می‌شدند.

معمولاً یک نوشته محل تهیه و ارسال هدایا را مشخص می‌کرد. اما گاهی این نوشته‌ها غیر از مشخص کردن محل ارسال، حاوی پیام‌های کوتاهی بودند؛ اندازه چند جمله که روی یک کاغذ کوچک جا بگیرند و معمولاً بیش از محتوای هدایا توجه رزمنده‌ها را به خود جلب می‌کرد به طوری که آن را با صدای بلند در جمع چندنفره سنگرها می‌خواندند.

هر پیام شخصیت خود را داشت و مختصات روحی فرستنده را تداعی می‌کرد. به‌طور نمونه، هدایایی که از یک مدرسه فرستاده شده بود، معمولاً کم‌قیمت بودند مثل نخود و کشمش درجه ۳ در بسته‌بندی‌های کوچک با نوشته‌هایی به اندازه همان بسته که در آن با متنگه دوخته شده و معلوم بود یا پول قلک‌های دانش‌آموزان تهیه شده و حاوی پیامی ساده و خودمانی بود از یک دختر یا پسر بچه خطاب به برادر بزرگ‌تر. هدایای دیگر شامل دستکش و شال گردن و بافتنی و مربا و ترشی از همان دور بوی محبت‌های مادرانه را می‌داد و پوشیدن و خوردنشان فوق‌العاده لذت‌بخش و آرامبخش بود. هدایایی مثل میوه و پنیر و اورکت و کنفش وقتی به دست می‌رسید احساس امنیت می‌کردی که پدر یا دستان زمخت و چهره آرام و خشن، فرزندش را در دیار غربت از یاد نبرده و فکر و ذکرش هنوز تأمین مایحتاج اهل خانه است.

۸ سال زندگی در آتش و خون در نبردی نابرابر با وجود تحریم‌های ناجوانمردانه، کاری است کارستان. آنچه این مقاومت را ممکن و استقامت رزمندگان را دوچندان کرد، گسترده‌ی خطوط دفاعی ما بود به این معنا که اگر در خطوط مقدم جنگ، دلاورمردان به نبرد مشغول بودند، در خطوط دوم پدران، مادران، خواهران و فرزندان این مرز و بوم در شهر، دیار، قصبه و روستا داشتند، از سلحشوران میهن پشتیبانی می‌کردند و به هر نحوی بلد بودند، به آنان روحیه می‌دادند؛ ولو با ۱۰۰ گرم نخود و کشمش. در آن ۸ سال، سرباز وطن در هر سنگری که بود، احساس می‌کرد همه وطن و هموطنان مثل کوه پشتش ایستاده است.

آنتنر یک

معاون خدمات شهری فضای سبز منطقه ۱۰:

گذر پشت بزرگراه نواب رنگ و لعاب می‌گیرد



همزمان با اجرای پروژه‌های کوچک‌مقیاس محلی عملیات بهسازی و رنگ‌آمیزی در گذر پشت بزرگراه شهید نواب صفوی و خیابان رنجبر اجرا می‌شود. معاون خدمات شهری محیط‌زیست شهرداری منطقه ۱۰ با اعلام این‌خبر و با اشاره به برنامه‌های شهرداری تهران برای اجرای شیوه‌نامه رنگ در شهر و تأثیر رنگ‌آمیزی چهره شهری در ایجاد آرامش روانی و پیشگیری از اعمال سلیقه‌های شخصی و بدون مطالعه در طراحی و اجرای پالت رنگی شهر افزود: «برای آراستگی و زیبای چهره شهر و همچنین فراهم کردن فضایی با نشاط و مفرح عملیات بهسازی و رنگ‌آمیزی گذر پشت بزرگراه شهید نواب صفوی و

فردوسی در میان گل‌های داودی



پاییز هزار رنگ بهترین زمان برای کاشت گل‌های داودی است. به همین دلیل با شنیده شدن قدم‌های پاییز کارگران فضای سبز شهرداری ناحیه یک منطقه ۶ دست به کار شدند و بوته‌های گل داودی را در میدان فردوسی که نماد فردوسی، ادیب بزرگ ایران زمین، در آن نصب شده است، کاشتند.

«احسان یلوه» شهردار ناحیه یک در تشریح این خبر گفت: «کاشت گل در معابر عمومی علاوه بر ایجاد چشم‌انداز زیبا سبب آرام‌سازی محیط می‌شود و وجود گل‌های رنگی و تماشای آنها استرس را کاهش می‌دهد و زمینه تمدد اعصاب شهروندان را فراهم می‌کند. بنابراین با کاشت گل‌های داودی رنگارنگ تلاش کردیم تا زیبایی میدان فردوسی را که از میدان‌های مهم و پر تردد پایتخت است، افزایش دهیم.»

پویش اهالی منطقه ۷ برای کمک به آسیب‌دیدگان کووید ۱۹

معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۷ گفت: «ورزشکاران، کارکنان و شهروندان ساکن منطقه ۷ برای زنده نگه داشتن منش و اخلاق جوانمردی و نوع‌دوستی اقدام به راه‌اندازی پویش کمک مؤمنانه با هدف کمک‌رسانی به نیازمندان و آسیب‌دیدگان از ویروس کووید ۱۹ کردند.»

«فائزه دولتی» ضمن اعلام این خبر افزود: «با شیوع ویروس کرونا و به تبع آن تعطیلی بسیاری از مشاغل، برخی از شهروندان از نظر اقتصادی دچار آسیب شده‌اند.» وی در ادامه عنوان کرد: «این طرح با همکاری سازمان ورزش شهرداری تهران از ۵ تا ۱۵ شهریور برگزار و اقلام مورد نیاز خانواده‌های نیازمند از جمله بسته‌های بهداشتی شامل ماسک، محلول ضدعفونی و اقلام خوراکی شامل برنج، روغن، رب، قند، ماکارونی، سویا و چای تهیه شد و از طریق سازمان ورزش شهرداری تهران در اختیار خانواده‌ها نیازمند قرار گرفت.»

معاون شهردار منطقه ۷ تأکید کرد: «این طرح با همکاری ورزشکاران و پیشکسوتان ورزشی که با روحیه پهلوانی و جوانمردی همواره در تمامی مقاطع حساس جامعه پای کار بوده‌اند جمع‌آوری شد.»

عملیات کودپاشی در ختان چنار



برای افزایش سبزیگی و حفظ سلامت درختان چنار عملیات کودپاشی این درختان پیش از خزان با کلات آهن، میکروکامل و NPK در بزرگراه یادگار امام(ره)، شهید نواب صفوی و خیابان آزادی منطقه ۱۰ انجام شد.

رئیس اداره فضای سبز منطقه با اعلام این خبر افزود: «برای پیشگیری از کلروز و ضعف درختان چنار، خزان زودرس و زوال درختان عملیات حفظ و نگهداری درختان چنار منطقه تحت نظارت کارشناسان مرکز تحقیقات آموزش و مشاوره فضای سبز، در چند مرحله از آغاز سال جاری تاکنون انجام شده است.»

به گفته «علی مصطفوی» کارشناسان مرکز طبق دستورالعمل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران اقدام به نظارت بر عملیات مختلف اعم از محلول‌پاشی برگ‌ها با کودهای میکرو و ماکرو الممت و کلات آهن کردند.



آنتنر یک

معاون خدمات شهری فضای سبز منطقه ۱۰:

گذر پشت بزرگراه نواب رنگ و لعاب می‌گیرد

خیابان رنجبر در دستور کار قرار گرفته است.» به گفته «محمد رضا افخم» رنگ‌ها نقش مؤثری در ایجاد شور و نشاط اجتماعی میان شهروندان در مناطق کم‌برخوردار دارند. به همین دلیل با توجه به بافت دوباره و نماهای محور رنجبر عملیات رنگ‌آمیزی و بهسازی ۵۰ پلاک به وسعت ۱۰ هزار مترمربع در ۳ فاز اجرا می‌شود که با تلاش عوامل اجرایی فاز اول این عملیات در حال اجراست. افخم در ادامه به اجرای طرح امنیت اجتماعی در گذر پشت نواب اشاره کرد و افزود: «با توجه به اجرای این طرح، اقدامات زیباسازی در ۳ بخش تجهیز مبلمان شهری، تقویت روشنایی و همچنین نقاشی دیواری اجرا می‌شود.»

چهره

محمد مهدی ذوالفقاری مدیرعامل مجموعه شرکت هلدینگ دانش‌بنیان ایده‌پردازی، ذوق توسعه‌کار آفرینی با سرمایه‌گذاری در بخش نیروی انسانی

حمایت رایگان از ایده‌پردازی تا ارائه محصول در فضای استارت‌آپی برای کشف و پرورش استعدادها در میان افراد جویای کار و کارآفرین یکی از مهم‌ترین خدمات هلدینگ دانش‌بنیان ایده‌پردازی ذوق برای اهالی تکه دهم پایتخت و شهروندان تهرانی است. هدف از راه‌اندازی این مجموعه، پرورش استعداد و کشف خلاقیت افراد خوش‌ایده است.

در ایران مردم استارت‌آپ را یک فروشگاه اینترنتی یا نهایت پیچ اینستاگرامی تصور می‌کنند که محصولی در آن فروخته می‌شود، اما در واقع استارت‌آپ‌ها کسب‌وکارهای هستند که از روز راه‌اندازی تا هر زمانی که فعالیت دارند، فروش و سود محصول آن مساوی است. با استارت‌آپ‌ها در کمترین زمین به بالاترین سود می‌رسیم. به همین دلیل برای توسعه فرهنگ کارآفرینی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی از دوران کودکی باید پاهریزی شود. کاری که در مجموعه هلدینگ ذوق برای کشف استعدادها انجام می‌شود، برپایی دوره‌های آموزشی از پایه است.

به همین دلیل آموزش در مدرسه خراسان استارت‌آپی مجموعه ذوق برای گروه سنی ۸ تا ۱۱، ۱۱ تا ۱۵، ۱۵ تا ۱۸ سال و همه افراد دارای فکرهاي خلاقانه برنامه‌ریزی شده است. از این طریق از صفر تا صد کار مورد حمایت و بررسی قرار می‌گیرد.



میز خبر

فرمانده انتظامی تهران خبر داد پلمب ۱۳۵ خانه محله هرندي در يك سال گذشته

فرمانده انتظامی تهران بزرگ از پلمب ۱۳۵ خانه در محله هرندي طی یک سال گذشته خبر داد و گفت: «این خانه‌ها ۸۲۰ اتاقک داشتند که محل وقوع جرائم مختلف و آسیب‌های اجتماعی بودند.»

به گزارش روابط عمومی نیروی انتظامی تهران بزرگ، سردار «حسین رحیمی» با تأکید بر ضرورت حمایت مسئولان دستگاه قضایی در رسیدگی به این جرائم، اظهار داشت: «این منازل نباید دوباره باز شوند و توقع داریم مسئولان در این زمینه کمک کنند.»

او در ادامه با اشاره به اجرای ۹۳۷ عملیات پلیسی برای پاکسازی شوش، مولوی و هرندي از وجود معتادان متجاهر اظهار داشت: «یکی از دغدغه‌های پلیس پاکسازی شوش، مولوی و دروازه غار است و با تلاش‌های صورت‌گرفته معابر، پارک‌ها و خیابان‌های این مناطق از وجود معتادان متجاهر پاکسازی شده است.» فرمانده انتظامی تهران با بیان اینکه برای نگهداری معتادان متجاهر نیاز به مکانی با ظرفیت ۱۰ هزار نفر داریم، تأکید کرد: «در شهرستانی ماه طی عملیاتی بالغ بر ۲۰۰ سارق را که معتاد متجاهر بودند، دستگیر و حدود ۱۵۰ کیلو موادمخدر کشف کردیم.»

سردار رحیمی‌ادامه داد: «بالغ بر یک سال و ۸ ماه از شروع طرح پاکسازی این مناطق می‌گذرد. پارک‌های این مناطق زمانی جولانگاه صدها معتاد متجاهر، تزیینی و خرده‌فروش موادمخدر بود، اما اکنون وضعیت به مراتب بهتر شده است.» او در بخش دیگر سخنان خود با اشاره به گلیاه‌های مردمی مبنی بر فعالیت مراکز دی‌ای، سی و متادون‌درمانی و مراجعه روزانه معتادان برای دریافت خدمات از این مراکز به محله هرندي، شوش و مولوی اظهار داشت: «اگر خواهان پاکسازی کامل این محله و پایان قصه تردد معتادان در کوچه‌پسکوبچه‌های آن هستیم، باید با همکاری دستگاه قضا زمینه جابه‌جایی این مراکز به حاشیه شهر را فراهم کنیم.»



۲۰۰۰

متر نقاشی دیواری برای ساماندهی و زیباسازی چهره شهری در پشت‌گذر نواب برای ایجاد تنوع رنگی، شادابی و طراوت شهروندان از ساماندهی و رفع نقاط بی‌دفاع اجرا می‌شود.

۲۷۱۳

متر مسیر سبز در منطقه ۶ ساخته می‌شود. معاون فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۶ تهران خبر داد. عملیات عمرانی ساخت این مسیر سبز شروع شده است.

۴۲۰۰

متر مربع از زمین مجاور بوستان باغ حکیم برای ساخت باغ ایرانی و همچنین توسعه بوستان باغ حکیم در منطقه ۱۰ به دستور شهردار تهران به بوستان حکیم اضافه شد.

شورایاری

نظافت محله در کوتاه‌ترین زمان ممکن



«محله امام خمینی(ره) از بخش‌های ریزدانه منطقه ۱۰ است که به دلیل وجود معابر باریک و کوچه‌پسکوبچه‌های بسیار، کار نظافت و پاکسازی معابر آن اغلب با تأخیر انجام می‌شد. اما چند وقتی است که با مدیریت مهندس «محمد رضا افخم» معاونت خدمات شهری فضای سبز منطقه و پیگیری مدیر اداره خدمات شهری رسیدگی به نظافت محله و جمع‌آوری زباله‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام می‌شود.»

دبیر شورایاری محله امام خمینی(ره) با بیان این مطلب افزود: «حضور به موقع نیروهای خدمات شهری در محله و پیگیری آنها برای حفظ پاکیزگی در این روزهای کرونایی که مردم بیشتر از همیشه نگران سلامتی و حفظ پاکیزی شهر و محله‌شان هستند، قابل قدردانی است. نیروهای این معاونت به‌ویژه مدیر خدمات شهری به‌صورت حضوری به محله سر می‌زنند و بر کار عوامل اجرایی نظارت دارند.»

«علیرضا سلمانی» برقراری ارتباط مستقیم با اهالی از طریق ارسال پیامک در صورت نارضایتی از نظافت محله و پیگیری مشکلات محله در کوتاه‌ترین زمان ممکن را از ویژگی‌های مثبت و درخور توجه برای تأمین رفاه حال شهروندان در این محدوده می‌داند.

غرب	شرق
www.Rahnama.com آزادی ۶۶۸۶۷۹۶۴ آیت الله کاشانی ۴۴۰۷۴۰۳۳ بلوار فردوس ۴۴۰۵۱۳۱۷ پونک ۴۴۴۳۵۷۷۷ توحید ۶۶۹۶۰۵۳۸ تهرانسر ۴۴۵۶۱۳۳۳ دهکده المپیک ۴۴۱۴۶۶۳۳ جلال آل احمد ۸۸۶۶۵۵۵۳ جنت آباد ۴۴۷۷۲۷۱۲ ستارخان ۴۴۲۱۶۶۸۸ سعادت آباد ۸۸۰۶۶۶۷۱ شهران ۴۴۶۶۳۳۹۶۶ شهرک اکباتان ۴۴۶۶۶۶۹۴۹ شهرک غرب ۸۸۳۷۲۹۷۱ صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۵ فرحزاد ۲۲۰۶۱۸۷۷ فلکه اول شهران ۴۴۳۳۵۹۶۵ فلکه دوم صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۶ میدان المپیک ۴۴۱۴۶۶۳۳ نواب ۶۶۶۶۳۰۹۰۳ هاشمی ۶۶۳۷۹۱۵۱	افسریه ۳۳۸۰۸۰۵۹ بلوار پروین ۷۷۲۹۸۴۵۱ پیروزی ۳۳۷۹۳۰۲۳ تهرانپارس ۷۷۸۸۸۷۷۷ تهران نو ۷۷۹۰۲۶۴۶ حکیمیه ۷۷۳۰۷۸۳۰ خاوران ۳۳۸۳۹۲۰۲ سم راه افسریه ۳۳۸۰۸۸۸۴ رسالت ۲۲۵۳۲۴۴۷ فرجام ۷۷۲۰۷۹۳۹ کثات کوثر ۲۲۶۹۸۲۶۱ مجیدیه ۲۲۵۰۱۸۷۹ میدان امام حسین ۷۷۵۰۰۵۸۳ نارمک ۷۷۹۴۴۴۴۷ نبرد ۳۳۶۹۶۰۶۰ نظام آباد ۷۷۸۴۴۰۱۴ نیروی هوایی ۷۷۹۰۸۹۷۰
شمال	جنوب
آرژانتین ۸۸۷۵۳۴۰۱ آفریقا ۲۲۰۳۴۴۴۱ آقدیه ۲۲۶۹۸۲۶۱ اندرزگو ۲۲۴۰۹۵۷۱ پارک ملت ۲۲۰۴۷۹۳۱ قلهک ۲۲۰۲۰۴۵۰ لويزان ۲۲۹۸۴۳۸۸ ملاصدرا ۲۲۲۱۸۸۱۲ میرداماد ۲۲۶۱۴۴۴۳ ونگ ۲۲۸۵۲۶۰۰ سید خندان ۲۲۸۴۸۱۹۱ شریعتی ۸۸۴۳۵۷۶۹ شهید بهشتی ۸۸۷۵۵۳۳۰ شهید مطهری ۸۸۹۰۳۵۵۶ طالقانی ۸۸۳۲۳۳۷۸	امیریه ۵۵۳۷۵۰۴۱ خراسان ۳۳۵۲۲۱۸۶ فرزانه بخارایی ۵۵۰۵۰۱۰۰ دولت آباد ۳۳۷۶۷۵۱۶ سم راه آذری ۵۵۷۳۳۴۳۵ شوش ۵۵۰۵۰۴۲۴ شهری ۵۵۹۵۱۲۶۹ عبدل آباد ۵۵۸۶۳۳۶۲ کارگر جنوبی ۵۵۶۵۱۰۲۴ مولوی ۵۵۸۱۷۴۰۸ مهرآباد ۶۶۲۸۷۶۱۹ نازی آباد ۵۵۰۷۹۴۰۰ وحدت اسلامی ۵۵۸۱۵۵۰۲ یافت آباد ۶۶۶۲۱۹۰۱ بهشت زهرا ۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹
مرکز	حومه تهران
امین حضور ۳۳۵۰۳۵۲۵ انقلاب ۶۶۴۹۷۲۸۰ بازار ۵۵۶۰۴۹۵۵ بهارستان ۳۳۱۱۶۶۵۶ جمهوری ۶۶۴۰۱۴۷۹ حافظ ۶۶۷۰۱۸۱۷ سعدی ۳۳۹۳۷۳۹۹ سیمه ۸۸۳۲۳۳۷۸	سهروردی ۸۸۷۴۳۹۹۰ سهروردی شمالی ۸۸۷۵۶۶۶۱ سید خندان ۲۲۸۴۸۱۹۱ شریعتی ۸۸۴۳۵۷۶۹ شهید بهشتی ۸۸۷۵۵۳۳۰ شهید مطهری ۸۸۹۰۳۵۵۶ طالقانی ۸۸۳۲۳۳۷۸
جنوب تهران	اسلامشهر
فاطمی ۶۶۴۳۴۹۵۹ فردوسی (۱) ۶۶۷۱۱۷۱۷ فردوسی (۲) ۶۶۷۱۳۴۸۴ لاله زار نو ۶۶۷۰۱۴۱۵ میدان سیاه ۷۷۵۲۶۰۴۴ میدان ولیعصر ۸۸۹۶۳۳۸۵ هفت تیر ۸۸۸۴۴۰۶۵ یوسف آباد ۸۸۰۰۲۵۶۴	شهریار ۵۶۱۴۹۴۰۰ کرج ۷۶۳۴۰۳۴۴ ۵۶۲۳۲۴۴۰۴۳ ۵۶۲۳۲۴۴۰۴۳
شبهانه روزی	تلفن پذیرش آگهی
۱۸۱۹	۱۸۱۹



مشارکت اهالی محله
در تولید ماسک برای همسایه‌ها

نمایش همدلی در محله هلال احمر

تابنده مسکونی‌ها

تقریباً ۹ ماه از شیوع ویروس کرونا در شهرهای مختلف کشور می‌گذرد و هرچه بر ماندگاری این ویروس خطرناک افزوده می‌شود، مردم بیش از پیش از آزمون همدلی و همراهی در مقابله با آن سربلند بیرون می‌آیند. مصداق عینی این سخنان کارگاه‌های بزرگ و کوچک شکل‌گرفته در محله‌های شهر است که این روزها ملودی همدلی و مهربانی از ج به رج آجرهاشان شنیده می‌شود. یکی از این کارگاه‌ها مدت‌هاست در محله هلال‌احمر شکل گرفته و ماسک‌های تولیدی آن امروز به رایگان بین اهالی محل توزیع می‌شود. ▶

هلال‌احمر یکی از محله‌های قدیمی تهران است که همدلی و همراهی مردمش در روزهای بحرانی زبازد عام و خاص است. کرونا میدان دیگری بود تا اهالی با صفای محله هلال‌احمر همبستگی و همدلیشان را به نمایش بگذارند. در روزهایی که استفاده از ماسک جزء لاینفک زندگی مردم شده، اهالی محله هلال‌احمر در سنگر تولید ماسک حاضر شدند و با تولید شبانه‌روزی این محصول و توزیع رایگان آن در محله کوشیدند سهمی در کاهش شیوع ویروس کرونا داشته باشند.

زنک طرح تولید ماسک که از سوی بچه مسجدی‌ها و بسیجیان محله به صدا درآمد، همه به میدان آمدند، از کودکان و نوجوانان گرفته تا زنان سرپرست خانوار، خیران و کارآفرینان محله. «کبر آذری» عضو شوراییاری محله هلال‌احمر یکی از اهالی پایه کار محل در این طرح خیرخواهانه است. او می‌گوید: «اهالی محله هلال‌احمر همیشه در جبهه‌های مختلف مردمی حضور پررنگ داشته‌اند. ۳۰ سال پیش در جنگ تحمیلی به پشتیبانی از جبهه‌ها می‌پرداختند و امروز در میدان نبرد با کرونا حاضر شده‌اند.»

او معتقد است که سرای محله مرکز پویای محله است. به همین دلیل همسایه‌ها تصمیم گرفتند در کنار دوستان خود در پویش تولید ماسک شرکت کنند. عمو اکبر محله هلال‌احمر می‌گوید: «همه اهالی در تهیه این ماسک‌ها مشارکت داشته‌اند. پول‌های خرد و اندک روی هم جمع شد تا مقدمات لازم برای شروع کار دوخت ماسک‌ها فراهم شود.»

چراغ کارگاه کارآفرینی محله دوباره روشن شد

پارچه‌ها که خریداری می‌شود، چرخ‌های خیاطی کارگاه سابق کارآفرینی محله هم دوباره روشن می‌شوند؛ چرخ‌هایی که مدت‌ها بی‌استفاده بودند. «سپین مدیری» مدیر سابق کارگاه کارآفرینی محله هلال‌احمر می‌گوید: «قبلاً این کارگاه تولیدی و خیاطی فعال بود، اما مدت‌هاست تعطیل شده و ابزار و لوازم آن بی‌استفاده مانده بود. تا اینکه شنیدم اهالی قصد تولید ماسک را دارند. پس چه کاری بهتر از اینکه این ابزارالآت در کار خیر اهالی به کار گرفته شود؟»

مدیری هم‌اکنون در شوراییاری محله عضویت دارد و در کنار دیگر شوراییاران می‌کوشد تا محله‌ای سرآمد در میان محله‌های پایتخت داشته باشد. او می‌گوید: «تولید ماسک در محله هلال‌احمر به بهانه کرونا یک تمرین همدلی و همراهی بود که اهالی محل با مشارکت ثابت کردند همه جوره پای محله و سلامتی اهالی‌اش هستند.»

همکاری زنان سرپرست خانوار

در روند تولید ۱۰ هزار ماسک تولیدی در سرای محله هلال‌احمر زنان نقش مهم و بسزایی داشتند؛ چه آنها که با انجام کار در خانه به تولید این ماسک‌ها کمک کردند چه آنها که در کارگاه به دوخت ودوز این ماسک‌ها

همه بهره‌مند از ماسک‌ها

ماسک‌هایی که در سرای محله هلال‌احمر تولید می‌شوند، علاوه بر توزیع در بین اهالی، بین نمازگزاران مساجد و اعضای گروه معناتان گمنام محله هم توزیع می‌شود. حتی در صورت حمایت شهرداری منطقه این گروه آمادگی تولید ماسک برای دانش‌آموزان محل و مدارس را هم دارند. همدلی و همراه اهالی محله هلال‌احمر در دوره کرونا به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه خیران محل حواسشان به سفره نیازمندان در روزهای کرونایی نیز هست. سپین مدیری، عضو شوراییاری محله هلال‌احمر می‌گوید: «توزیع ۷۱ کارت هدیه بین دستفروشان محله، توزیع رایگان مواد شوینده، معاینه رایگان اهالی در اداره بهداشت و توزیع ارزاق بین خانواده‌های نیازمند شناسایی‌شده در محل از جمله اقدامات حمایتی صورت‌گرفته در محله است.»

پرداختند. «معمومه ریحانی» یکی از بانوانی که در این طرح مشارکت داشته است، می‌گوید: «همین که شنیدم قرار است در سرای محله برای اهالی محل ماسک تهیه و توزیع شود دلم طاقت نیاورد و داوطلبانه در این طرح مشارکت کردم.»

در روند تولید

۱۰ هزار ماسک

تولیدی در سرای

محله هلال‌احمر

زنان نقش

مهم و بسزایی

داشتند؛ چه آنها

که با انجام کار

در خانه به تولید

این ماسک‌ها

کمک کردند چه

آنها که در کارگاه

به دوخت ودوز

این ماسک‌ها

پرداختند



پاسخ مسئولان برای رفع

مزامحت تیرهای برق

به شوراییار محله

عباس آباد و اندیشه:

تیر برق بخريد ما نصب می‌کنیم!

شقایق عرفی‌نژاد

محله عباس‌آباد و اندیشه در منطقه ۷ یکی از محله‌های قدیمی و البته خوش‌نشین تهران است. این منطقه اما مشکلاتی دارد که شوراییار آن به آنها اشاره می‌کند. «مهدی اسدی» می‌گوید بخشی از مشکلات این محله خوردند و قسمتی کلان. نخستین مشکلی که او مطرح می‌کند برای ما به فکاهه می‌ماند و برای ساکنان خیابان معضل است: «در خیابان علی‌اکبری کوچه‌ای به نام شمشیرپناه وجود دارد. این خیابان جزء بافت فرسوده و ناپایدار منطقه ۷ بود. تعداد زیادی از این خانه‌ها نوسازی کردند و از آن وضعیت خارج شدند. اما تیرهای برق همانجا و به همان شکل باقی مانده و ضمن ایجاد اشکال در تردد خودروها، امکان بهره‌مندی کامل از معبر را سلب کرده است. وقتی با شهرداری صحبت می‌کنیم می‌گویند این مسئله به اداره برق مربوط است. به اداره برق که مراجعه می‌کنیم می‌گویند اصلاً پول ندارند! طی جلسه‌های مختلف که برای همین موضوع با شهرداری و اداره برق فردوسی برگزار کردیم، آخرین چیزی که از مسئولان اداره برق منطقه فردوسی شنیدیم این بود که مردم پول بگذارند و تیر برق بخرند، نیروی کارش را ما تأمین می‌کنیم!» ▶

جلوتر پل عبایپاده بلا استفاده‌ای وجود دارد. بارها درخواست داده‌ایم که این پل عبایپاده به این قسمت منتقل شود، اما هربار با دلایل موجه و ناموجه این درخواست رد شده است.»

وجود سرعتگیر نامناسب در خیابان علی‌اکبری بدون علائم هشداردهنده قبلی است: «۴ سال پیگیری هستیم، ولی اقدامی از سوی شهرداری نشده است.» او به معبری در تقاطع خیابان نقدی و علی‌اکبری اشاره می‌کند که پیش از این گازوئیل نشست‌کرده از یک دیزل ژنراتور مورد استفاده حفاری شهرداری به آسفالت آن نفوذ کرده و حالا با کمترین بارش تبدیل به یک معبر لغزنده می‌شود.



مهدی اسدی
شوراییار محله
عباس‌آباد و اندیشه

اسدی به یک مشکل ترافیکی هم اشاره می‌کند: «در تقاطع خیابان بهشتی و مفتح که ایستگاه مترو در آن واقع شده است، عرض خیابان بهشتی به بیشترین حد می‌رسد. ماشین‌هایی که از خیابان قنبرزاده وارد خیابان بهشتی می‌شوند و قصد دارند به خیابان مفتح بپیچند، سرعت بالایی دارند و به همین دلیل تقریباً هر روز در این محل تصادف ماشین‌ها عابرپاده اتفاق می‌افتد. در صورتی که صدمتر

همین شیب تند خیابان‌های اندیشه مشکل دیگری است. اسدی می‌گوید: «صاحبان منازل این خیابان جلسو خانه‌های خود را به دلخواه شیب‌بندی کرده‌اند و پله گذاشته‌اند. در صورتی که این کار باید با مهندسی و نقشه‌برداری انجام شود و پیاده‌رو پلکانی با شیب کمتر ایجاد شود.» مشکل آخری که اسدی به آن اشاره می‌کند، مشکل اهالی خیابان پاکستان است: «مهم‌ترین معضلی که در منطقه داریم و من به‌عنوان کسب محله بارها از مردم شنیده‌ام، این است که اهالی خیابان پاکستان برای نوسازی و تعمیر کلی منازلشان با مشکل مواجهند. این خیابان در ضلع غربی مصلا واقع شده است و در طرح توسعه مصلاست. به همین دلیل مالکان ۱۸ کوچه این خیابان اجازه ساخت‌وساز ندارند. این مسئله علاوه بر اینکه مالکان را دچار سردرگمی کرده است، باعث شده ارزش زمین در این بخش از محله پایین بیاید. این خانه‌ها باید تعیین تکلیف شوند و با توسط مسئولان مربوطه خریداری شوند، یا اگر قدرت مالی برای این کار وجود ندارد، به آنها اجازه ساخت‌وساز و نوسازی بدهند.»

مهم‌ترین معضل

محله ما مشکل

اهالی خیابان

پاکستان برای

نوسازی و تعمیر

منازلشان است

[۱] تیم نگاه

شوراییار محله خواجه نظام

پیشنهاد می‌دهد:

استفاده از فضاهای خالی

برای ایجاد امکانات

ورزشی و فضای سبز

محله خواجه‌نظام المک طوسی از خیابان شهید آیت‌الله قدوسی که امروز به نام شهید برادران گوهری شناخته می‌شود؛ آغاز و به خیابان خواجه نصیرالدین طوسی و میدان سپاه ختم می‌شود. شکل‌گیری این محله بیش از سال ۱۳۱۰ هجری شمسی شروع شده است. در آن سال‌ها اطراف این محله پر از گندمزار بود و به تدریج در آن خانه‌هایی ساخته شد و آنها که به تهران مهاجرت کرده بودند، در این خانه‌ها ساکن شدند. رشد محله در آن سال‌ها به کندی صورت می‌گرفت و حتی تا دهه ۵۰ هم هنوز زمین‌های کشاورزی وجود داشتند. اما امروز این محله به یکی از محله‌های پرجمعیت تهران و با بافت متراکم تبدیل شده است.

محله خواجه نظام هم با مشکلاتی روبه‌رو است که آن مواجند. نخستین آنها نبود یا کمبود فضای سبز است. «علی طالبی» دبیر شوراییاری محله خواجه نظام در این باره می‌گوید: «ما در محله با کمبود فضای سبز، بوستان و فضای بازی برای بچه‌ها روبه‌رو هستیم و فقط یک بوستان داریم که تبدیل بیشتر پاتوق معناتان شده است.» او از کمبود سرانه ورزشی هم صحبت می‌کند و آن را مختص محله خواجه نظام نمی‌داند:

«در تمام منطقه ۷ مشکل نبود فضای ورزشی وجود دارد. در کل این منطقه تنها مجموعه ورزشی سعای را داریم. ما حتی یک زمین چمن مصنوعی نداریم تا جوان‌ها بتوانند در آن ورزش و فوتبال بازی کنند.» طالبی می‌گوید نبود زمین ورزشی یا فضای سبز در محله در حالی به یکی از مشکلات اساسی محله خواجه نظام تبدیل

شده که فضای ایجاد چنین امکانی در محله وجود دارد: «حمام زمان خان یکی از حمام‌های بسیار قدیمی تهران بود که به دلیل رسیدگی نشدن، تبدیل به خرابه شده است. حداقل می‌توان از این‌ زمین برای ایجاد فضای سبز یا بوستان استفاده کرد. این اتفاق در محله حشمتیه افتاده است. یعنی زمین خرابه‌ای را که کنار سرای محله بود به سسرای محله واگذار کردند و تبدیل به چمن مصنوعی برای بازی و ورزش شد. با این کار هم جوانان و بچه‌های محله دارای زمین بازی شدند و هم سرای محله به درآمدزایی رسید.» او پارکی را هم که پایین دست محله خواجه نظام قرار دارد، برای تبدیل به یک زمین چمن مصنوعی مناسب می‌داند و می‌گوید: «این جا بیش از این خیاطخانه ارتش بود که تسطیح شد و یک زمین تقریباً ۵ هزارمتری از آن باقی ماند. در دوره‌ای که آقای طلوعی شهردار منطقه بود، موافقت شد که این زمین تبدیل به زمین ورزشی شود، اما با تغییر شهردار این طرح اجرا نشد. زمین هم تبدیل به پارک کوچکی با چند درخت شد که حتی بچه‌ها نمی‌توانند در آن بازی کنند، چون تبدیل به پاتوق معناتان شده است. اگر طالبی در ضمن به مشکل ترافیک سر پیچ خیابان پلیس به خواجه نظام هم اشاره می‌کند که با مدیریت پلیس راهنمایی حل‌شدنی است، اما در بیشتر مواقع پلیس حضور ندارد. حضور شبانه معناتان روی پل هوایی عابر در بزرگراه سیاه هم مشکل دیگری است که طالبی درباره‌اش صحبت می‌کند و می‌گوید حضور معناتان فضا را برای تردد دیگران ناامن می‌کند. او مشکل نبود محله باریکند و با پارک خودروها در دو سوی خیابان رفت‌وآمد برای بقیه ماشین‌ها سخت می‌شود.»



علی طالبی
دبیر شوراییاری محله
خواجه نظام



گفت‌وگو با مؤسس خیریه چرخ گردون که برای مددجویان کار آفرینی می‌کند

قرار مهربانی در مترو

شقایق عرفی‌نژاد

❖ خیریه چرخ گردون هم یک مؤسسه خیریه است، هم یک مؤسسه کار آفرینی. آن‌طور که مؤسسش می‌گوید در واقع این دو کار در کنار هم انجام می‌شود. «سمیرا حشمتی» عقیده دارد پرداخت‌های مالی و غیرمالی به مستمندان در واقع عادت دادن آنها به این وضعیت و نوعی دامن زدن به تکدی‌گری است. او متولد سال ۶۲ است و کارش حسابداری است. حشمتی می‌گوید در کارگاه کوچکش هیچ‌وقت دنبال کمیت و آمارسازی نبوده‌اند. این کارگاه در خیابان معلم فعالیت می‌کند و تا امروز برای عده زیادی شغل ایجاد کرده است. ❧

❖ داستان چرخ گردون چیست؟

من مدت‌ها با خیریه‌های مختلف کار می‌کردم. هیت‌مدیره یکی از خیریه‌هایی که خیلی در آن فعال بودم، تصمیم گرفت آن را تعطیل کند. من هم خیلی ناراحت شدم. چون وابسته شده بودم و برای آن وقت می‌گذاشتم. به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم یک خیریه تأسیس کنم و جمعی از نیکوکاران و مددجویان آن خیریه هم به خیریه جدید منتقل شدند. اول کار طبیعتاً حتی برای اجاره دفتر سرمایه نداشتیم و به‌صورت مجازی کار می‌کردیم. بعد تصمیم گرفتیم کارگاه خیاطی و دوخت کالای خواب را راه بیندازیم. اما باز هم دفتر نداشتیم. همه چیز به شکل قرار در مترو بود. یعنی ما پارچه‌ها را از بازار خریداری می‌کردیم، در خانه نیکوکاران برش می‌خورد و بعد آنها را در مترو به مددجویان می‌رساندیم. آنها در خانه پارچه‌ها را با چرخ‌هایی که بهشان داده بودیم، می‌دوختند و دوباره در مترو از آنها تحویل می‌گرفتیم و بازارچه پررنگ‌زار می‌کردیم و می‌فروختیم. یعنی محصولاتمان را هم به شکل اینترنتی می‌فروختیم و هم در بازارچه‌ها. کم‌کم دفتر اجاره کردیم و شکل و شمایل کار عوض شد.

❖ چطور نیکوکاران شروع به همکاری با شما کردند؟

محدوده کار ما خیلی کوچک است. نیکوکاران هم یا دوستان و فامیل‌ها هستند یا فامیل دوستان. غریبه بین ما نیست. کمک‌هایی که به ما می‌شود کاملاً کمک‌های مردمی است و از هیچ ارگان و نهاد دولتی کمک دریافت نمی‌کنیم. حتی گاهی شهرداری یا بهزیستی از ما کمک می‌خواهند و ما هم کمک می‌کنیم.

❖ مددچوها چطور جذب می‌شوند؟

با نیکوکاران آنها را به ما معرفی می‌کنند یا از خیریه قبلی هنوز با ما هستند. بعضی هم تابلوی خیریه را دیده‌اند و در زده‌اند یا در خیابان آنها را دیده‌ایم.

❖ درباره کار داوطلبانه‌ای که الان می‌کنید توضیح دهید.

کمک‌هایی را که به ما می‌شد به سمت ایجاد کارگاه‌تریکوبافی و خیاطی و کارگاه‌های دیگر بردیم و سعی کردیم این کمک‌ها را بیشتر برای کار آفرینی برای افراد تحت پوشش خیریه استفاده کنیم. می‌خواستیم به آنها مهارت بیاموزیم. هدف خیریه ما اصولاً پیشگیری از آسیب است. ولی این هدف را به شکل مهارت‌آموزی و اشتغال‌زایی و توانمندسازی انجام می‌دهیم. این توانمندسازی هم در حوزه‌کاری است و هم در حوزه‌های دیگر. به‌طور مثال ما تا پیش از کرونا علاوه بر کلاس‌های مهارت‌آموزی برای اشتغال، جمعه‌ها

کلاس‌های آموزشی متنوع از جمله خودشناسی و تغذیه داشتیم. سعی می‌کردیم در تمام حوزه‌ها اعضای خیریه را از نظر دانش و مهارت قوی کنیم. ما برای همین توانمندسازی با آموزش و پرورش بلوچستان و یکسری مناطق مرزی محروم کار می‌کنیم و فعالیت‌های خوبی برای تجهیز مدارس و بالا بردن سطح آموزش در مدارس انجام داده‌ایم. همین‌طور در مناطق رلزله‌زده هم حضور داشتیم و تفاهنامه‌هایی برای تجهیز مراکز فنی و حرفه‌ای و آموزش مردم آن منطقه به‌خصوص در صنعت ساختمان داشتیم.

❖ در کنار آموزش و اشتغال، کمک‌هایی هم به نیازمندان ارائه می‌کنید؟

مثل تمام خیریه‌ها در کنار این موارد کمک‌های معیشتی و سید کالا هم برای مددجویان داریم. ضمن اینکه در حوزه درمان و سلامت هم اقداماتی برای مددجویان انجام می‌دهیم. در مؤسسه حال و هوای حمایت از حیوانات و محیط‌زیست هم جاری است. با توجه به اینکه بسیاری از نیکوکاران ما از گیاهخواران هستند، سبدهای کالای ما کاملاً گیاهی است.

❖ الان در کارگاه چند مددجو دارید؟

دادن این آمار خیلی سخت است. هیچ‌وقت دنبالش نبوده‌ایم، به نظرم اصلاً کار اجتماعی کمیت‌پذیر نیست و بیشتر کیفیت مهم است.



ضمن اینکه آدم‌هایی که بتوانند خودشان را در چهارچوب قوانین خیریه جای دهند، کم است.

❖ چه قوانین و چهارچوبی؟

مهم‌ترین مهارت‌آموزی و پیشرفت است. اگر در دوره‌های چندماهه آموزش متوجه شویم مددجو بیشتر دنبال همان سید کالا و کمک ماهانه است و اشتغال برایش مهم نیست، خدمت‌رسانی را متوقف می‌کنیم. چون این افراد بیشتر دنبال تکدی‌گری هستند تا تغییر در زندگی‌شان و این اصلاً خوب نیست. البته تعداد زیادی هستند که ما به آنها فقط کمک معیشتی می‌کنیم؛ چون یا معلولیت دارند یا سالخورده‌اند و یا در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند.

به‌عنوان مثال به اطراف ورامین می‌رویم و در میان خانواده‌هایی که بی‌سرپناهند و در بیان زندگی می‌کنند و بیشترشان هم ایرانی نیستند، کمک‌ها را توزیع می‌کنیم.

❖ کمک‌ها و کار آفرینی‌ها فقط در همین کارگاه اتفاق می‌افتد؟

نه. ما مجمعی از تمام نیکوکارانی که به نوعی توان جذب مددجویان ما را در مجموعه‌های خودشان دارند، تشکیل داده‌ایم. خیلی از اشتغال‌هایی که ایجاد کرده‌ایم با کمک نیکوکاران و در جاهای دیگر بوده است. یعنی با توجه به شناختی مختلفی که می‌شناسیم معرفی می‌کنیم. مثلاً یک پسر نوجوان افغانستانی داشتیم که صدای خوبی داشت و استعداد دوبله در او بود. بعد از اینکه آموزش دید، از آنجا که بین نیکوکاران ما بچه‌های فیلم‌ساز وجود داشتند. به آنها معرفی شد و الان دارد کار اجرا و دوبله انجام می‌دهد.

در واقع داوطلبان ما برای کار تخصصی در خیریه در قالب چند کارگروه به خیریه کمک می‌کنند. مثل کارگروه مددکاری که مستقیماً با مددچوها ارتباط دارد یا کارگروه تولید و فروش که در زمینه خرید پارچه و فروش کمک می‌کند. کارگروهی هم داریم که خودمان اسمش پشت صحنه مهربانی را برایشان انتخاب کرده‌ایم. این کارگروه، کارگروه تدارکاتی ماست و کارهایی مثل کارهای تأسیساتی و ترابری را انجام می‌دهد. بچه‌های کارگروه تبلیغات هم بچه‌های نویسنده و گرافیکست هستند و هدایت فضای مجازی را برعهده دارند.

❖ درباره آموزش‌ها بگویید. گفتید پیش از کرونا مهارت‌های خودشناسی آموزش داده می‌شد یا همین‌مورد که این پسر بچه کار دوبله یاد گرفته است. چه کسانی به شما در این کار کمک می‌کنند؟ ۹۹درصد کسانی که در چرخ گردون کار می‌کنند، به‌صورت داوطلبانه فعالیت می‌کنند و انتفاع مالی از این کار ندارند. نیکوکاران ما هم همین‌طور. هر کسی هر تخصصی دارد، آموزش می‌دهد. مثل کمک‌های اولیه. ما کسانی داشتیم که به خاطر داشتن فشارخون بالا دیالیزی شده بودند. به فکر این افتادیم که این موارد را در کلاس‌هایی به مددجویان آموزش دهیم. پزشکی داریم که به آنها می‌آموزد چطور از همین مواد غذایی دم دست به بهترین نحو استفاده کنند. خیلی از اینها مشکل کنترل خشم دارند. به همین دلیل به آنها راه‌های کنترل خشم را می‌آموزیم. حتی گاهی آموزش آداب معاشرت به این مددجویان کمک می‌کند و باعث می‌شود اگر جایی برای کار معرفی شدند، بدانند چطور باید رفتار کنند. ما سعی می‌کنیم اینها را هم به این افراد یاد بدهیم.

❖ بعد از این آموزش‌ها همه مددجویان مشغول به کار می‌شوند؟

نه. ریزش زیاد داریم. مثلاً از ۱۰ خانوادای که جذب می‌شوند، شاید ۲ تا از آنها ماندگار شوند و در این راه تغییر با هم همسفر می‌شویم. بیشتر آدم‌های نیازمند که جذب خیریه‌ها می‌شوند، برخی این مؤسسه‌ها را فقط محلی برای تأمین مالی می‌بینند. این افراد دیگر علاقه‌ای به کار کردن ندارند. چون عادت کرده‌اند هر ماه از چند خیریه کمک دریافت کنند.

❖ چه چیزی به شما انگیزه می‌دهد که این کار را ادامه دهید؟

یک جور نقش اجتماعی است. شخصاً حس می‌کنم ایجاد یک تغییر مثبت در جامعه حال آدم را خوب می‌کند. وقتی احساس می‌کنم مسئولیت اجتماعی‌ام را انجام داده‌ام و دنیا را بهتر از آنچه تحویل گرفته‌ام، تحویل می‌دهم، حال خوبی پیدا می‌کنم. ضمن اینکه اگر آسیب‌های اجتماعی کمتری داشته باشیم راحت‌تر در جامعه زندگی می‌کنیم.



مشاوره

همسایه کار آفرین ما در خیابان مرتضوی از راه پر فراز و نشیب موفقیت و توانمندسازی بانوان تکه دهم پایتخت می‌گوید

کار آفرینی با عقر به‌های ساعت

بهاره خسروی

❖ از زمانی که چشم‌باز کرد مادر پشت‌دار قالی بود و پدر در میدان جنگ و دفاع مقدس برای حفظ جان و ناموس کشور. در سال‌های نبود پدر در خانه مسئولیت هزینه خانه و فرزندان بر دوش مادر بود. پایه‌یای مادر پشت‌دار قالی می‌نشست، درس می‌خواند و از خواهر و برادرهای کوچک‌ترش مراقبت می‌کرد. سرد و گرم چشیده روزگار شد و خیلی خوب به کمک قوه خلاقیت و تعلیم‌های مادر با فوت و فن هنرهای خانگی آشنا شد. این آشنایی سبب شد تا در بزرگسالی ایده کار آفرینی و کمک به بانوان سرپرست خانوار و کسانی که در شرایط مادرش هستند، به سرش بزنند. او در این کار تا جایی پیش‌رفت که موفق شد به‌عنوان کار آفرین در ۲۵ رشته فنی و حرفه‌ای مدرک معتبر دریافت کند و این روزها به دلیل تلاش‌هایی که درحوزه کار آفرینی و توانمندسازی بانوان تکه دهم پایتخت انجام داده است، به‌عنوان کارشناس در برنامه تلویزیونی ایران کالا فعالیت می‌کند. در این گزارش با «شیرین رسولی» کار آفرین پر تلاش محله هاشمی درباره فعالیت و مسیر رسیدن به موفقیت گفت‌وگو کردیم. ❧

«شیرین رسولی» همسایه کار آفرین ما حدود ۱۱ سال است که در حوزه کار آفرینی و خدمات اجتماعی منطقه ۱۰ فعالیت دارد. اما ۴ یا ۵ سال است که بیشتر فعالیت‌هایش را در سرای محله هاشمی و برای اهالی و بانوان این محله انجام می‌دهد. او درباره مسئولیت‌هایی که در حوزه کار آفرینی پسازل دهم پایتخت دارد، توضیح می‌دهد: «مربی رشته‌های هنری حکاکی روی چرم، سراج یا چرم‌دوزی، نم‌دوزی، زیورآلات، نقاشی روی چرم، طراحی و نقاشی روی پارچه و شیشه هستیم. در واقع از سازمان فنی و حرفه‌ای مدرک معتبر آموزش ۲۵ رشته هنری را دارم.» مدیریت کارگروه صنایع‌دستی سم‌ها، مدیرعاملی شرکت تعاونی چرمینه هنر کیمیا، ۱۰ گواهینامه حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی، مدیریت صنایع‌دستی خورشید، مدیریت کار آفرینی صنایع‌دستی حجره در هلدینگ دانش‌بنیان ذوق و کارشناسی برنامه تلویزیونی ایران کالا از مهم‌ترین فعالیت‌های شیرین رسولی در حوزه کار آفرینی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و افراد جویای کار است.



شیرین رسولی
کار آفرین محله هاشمی

کار آفرینی در حجره

مدیریت پلتفرم حجره در هلدینگ ذوق یکی مسئولیت‌های مهم رسولی است که در آن علاوه بر آموزش کسب‌وکار در فضای مجازی، استعدادها و

ظرفیت‌های اهالی منطقه هم شکوفا می‌شود. او درباره نحوه فعالیتش در حجره توضیح می‌دهد: «در واقع در این پلتفرم شرکت‌کنندگان با نحوه راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی در فضای مجازی آشنا می‌شوند. این برنامه به‌صورت غیرحضور و آنلاین روزهای پنجشنبه ساعت ۱۵ اجرا می‌شود. آشنایی با نحوه عکاسی با موبایل و محصول تولیدشده و استفاده از آن در فضای مجازی و ریزه‌کارهایی که برای جذب مخاطب و فروش محصولات لازم است، از مهم‌ترین برنامه‌های آموزشی برای مخاطبان حجره است.»

به گفته رسولی برای ارائه خدمات بهینه به اهالی و استفاده از این فرصت، یک صفحه اختصاصی رایگان برای فروش محصولات در اختیار اهالی منطقه قرار می‌گیرد که می‌توانند از خدمات آن بهره‌مند شوند.

انگیزه برای کار آفرینی

شیرین رسولی این روزها برای ارتقای دانش و اطلاعاتش در حال تحصیل در رشته‌های دی. ام. ای وام. بی. ای است. او در وبسارهای مختلف بین‌المللی شرکت می‌کند و موفق به شرکت در استارت آپ‌های خارجی در حوزه کسب‌وکار و دریافت مدرک بین‌المللی دمن آلمان شده است. او باورپذیری و انگیزه برای راه‌اندازی کسب‌وکار را از مهم‌ترین عوامل خودکفایی و توانمندسازی می‌داند و می‌گوید: «چند سالی است که دوره‌های آموزشی مشاغل خانگی را در سرای محله هاشمی برگزار می‌کنیم. من به‌عنوان آزمونگر از هنرجویان برای دریافت مدرک فنی و حرفه‌ای آزمون می‌گیرم. در حال حاضر ۱۵۰ هنرجو از شاگردانم در زمینه صنایع‌دستی و مشاغل خانگی موفق به دریافت مدرک فنی و حرفه‌ای شده‌اند و بسیاری از آنها در کسب و کارشان موفق هستند.»

در حال حاضر

۱۵۰ هنرجو

از شاگردانم

در زمینه

صنایع‌دستی و

مشاغل خانگی

موفق به دریافت

مدرک فنی و

حرفه‌ای شده‌اند و

بسیاری از آنها در

کسب و کارشان

موفق هستند



مرور خاطرات ۸ سال جنگ تحمیلی در منطقه ۱۱

جبهه‌ای به وسعت محله‌های مرکزی شهر

فاطمه عسگری نیا

۳۱ شهریور ۵۹ که ناقوس جنگ با پرواز جنگنده‌های عراقی بر فراز آسمان ایران پیچید زن و مرد، پیر و جوان دست به دست هم دادند تا با پاسداری از این مرز و بوم اجازه تعدی به دشمنان را ندهند. یکی جگر گوشه‌اش را راهی جبهه‌های جنگ کرد دیگری زن و فرزند را به خدا سپرد و راهی خاکریزها شد و آنها که دستشان از میدان جنگ کوتاه بود در شهرها ماندند و شانه شانه قصه همدلی و همصدایی را برای نسل‌های بعد نوشتند. مساجد خانه دوم مردم شدند، یک سبوش نماز می‌خواندند سوی دیگر برای پشتیبانی از جبهه‌ها تلاش می‌کردند، مادران شهید برای رزمنده‌های غریب در بیمارستان‌ها مادری می‌کردند و پرستاران خسته از کار با مهربانی خواهرانه بر بالین رزمنده‌ها حاضر می‌شدند. هرکسی به اندازه وسعش گوشه‌ای از جنگ را گرفته بود. از پیرزنی که سهم برنج ماهانه‌اش را می‌بخشید تا کاسبی که سرمایه‌اش را فدای جنگ کرد. پای روایت‌های اهالی منطقه ۱۱ نشستیم تا برآیمان از خاطرات خوش و ناخوش آن روزها بگوییم.

پشتیبانی لشکر ۴۲ مهندسی قدر در مسجد ولی عصر (عج)



سیدمحمد حسینی‌پناه
عضو هیئت امنای
مسجد حضرت
ولی‌عصر (عج)

مسجد ولی‌عصر (عج) در محله حشمت‌الدوله پشتیبان لشکر ۴۲ مهندسی قدر، یکی از بزرگ‌ترین لشکرهای کشور در زمان جنگ بود. «سیدمحمد حسینی‌پناه» عضو هیئت امنای این مسجد می‌گوید: «مسجد حضرت ولی‌عصر (عج) در دوران جنگ ستاد پشتیبانی لشکر مهندسی ۴۲ قدر بود و معاونت این لشکر هم برعهده شهید «احمد جوانبخش» از بچه‌های همین محله بود.» او ادامه می‌دهد: «مسجد ما یک تیم آشپزی قهار دارد. این تیم در دوران جنگ به سرپرستی پدرم در جبهه‌ها حاضر می‌شد و برای رزمندگان کباب‌های خوشمزه آماده می‌کردند.»

حاج «مهدی لباف» یکی از رزمنده‌های دوران جبهه و جنگ همین مسجد است. او می‌گوید: «مسجد ولی‌عصر (عج) در دوران جنگ یکی از کانون‌های مهم اعزام رزمندگان بود و جوان‌های زیادی از محله حشمت‌الدوله از همین مسجد راهی جبهه‌ها شدند.»

بیمارستان بهارلو و جنگ



صغری گنجی
پرستار بیمارستان
بهارلو

همسایگی بیمارستان بهارلو با ایستگاه راه‌آهن باعث شده بود هر روز رزمنده‌های مجروح زیادی مهمان این محله شوند. خیلی از رزمندگانی که به بیمارستان بهارلو و سایر بیمارستان‌های تهران منتقل می‌شدند دور از خانواده بودند و رسیدگی و سرکشی به این بچه‌ها را بانوان و مادران ساکن در محله راه‌آهن به ثبات از مادرانشان انجام می‌دادند. این حرف‌ها را «صغری گنجی» یکی از پرستاران بیمارستان بهارلو برآیمان نقل می‌کند و می‌گوید: «هر روز جمع زیادی از مادران ساکن در محله راه‌آهن به بیمارستان بهارلو می‌آمدند و بدون هیچ چشمداشتی به رزمندگان مجروح مانند فرزندان خود رسیدگی می‌کردند. آنها چنان دلسوزانه و مادرانه به این کار می‌پرداختند که کمتر کسی بی به غریبه بودن آن مجروح می‌بردند.» او همین‌طور که خاطرات دوران

اگر بگویم چیزی شبیه خانواده می‌شدیم.» گنجی ادامه می‌دهد: «بیمارستان بهارلو با وجود ساختار قدیمی و فرسوده‌اش بیشتر میزبان رزمندگان مجروح با شدت جراحتهای زیاد بود. در میان مجروحان، رزمندگانی که دچار قطع عضو شده بودند هم کم نبودند. من همیشه سعی می‌کردم تمام بیماران قطع‌عضو شده را در یک اتاق بستری کنم؛ چراکه این مسئله موجب تقویت روحیه بیماران و راحت‌تر کنار آمدن با وضع جدید می‌شد.»



۱۷ شهید مسجد امام رضا(ع)

مسجد امام رضا(ع) در خیابان کمالی هم یکی از مساجد فعال در دوران جنگ تحمیلی بود. از قدیم در این مسجد به روی اهالی محل باز بوده است. حاج «رضا محرمی» یکی از نمازگزاران این مسجد می‌گوید: «تمام این ۱۷ شهیدی که عکستان روی دیوار مسجد جا خوش کرده است، از صبح تا غروب در حیاط این مسجد پرسه می‌زدند و قد می‌کشیدند.» او می‌گوید: «دوران جنگ مسجد محل اعزام رزمندگان بود. هرگاه بچه‌های محل می‌خواستند اعزام شوند، اینجا بر می‌شد از بوی دود اسپند و زمزمه‌های مادرانی که با دعا فرزندان را راهی جبهه‌ها می‌کردند.» حاج

پشت جبهه در دست مادران شهید



کوه‌ر شهراسبی
مادر شهید مجتبی
شهراسبی

فعالیت‌های پشت جبهه خود را ورق می‌زند، گاه یادآوری خاطرات تلخی مانند بمباران خیابان رضایی‌اشک را مهمان چشمانش می‌کند و گاه یادآوری مشارکت داوطلبانه مردم و حس و حال خوب آن روزها لبخند را بر چهره‌اش می‌نشانند. می‌گوید: «من خیاط بودم و به همین خاطر کار دوخت ملحفه برای رزمندگان را در مسجد راه انداختم. هر روز خانم‌های زیادی برای کمک می‌آمدند. آنها هم که نمی‌توانستند ما را در ملحفه‌دوزی یاری کنند، شال و کلاه و دستکش می‌بافتند. خیلی‌ها هم کمک‌های دیگر می‌کردند. گاهی اوقات هم دلمان طاقت نمی‌آورد و به دیدن رزمندگان غریب بستری در بیمارستان‌ها می‌رفتیم و به امورشان رسیدگی می‌کردیم. بیشتر ما نماینده‌ای در جبهه داشتیم که به یاد آن عزیزان می‌توانستیم حداقل کمکی به این رزمندگان مجروح کنیم.»

می‌دادم.» این مادر شهید با اشاره به فعالیت زنان در مساجد محل برای خدمت به جبهه‌ها می‌گوید: «آن روزها هیچ‌کس در خانه‌بند نمی‌شد، مخصوصاً مادر رزمندگان و شهید. هرکسی سعی می‌کرد به نوعی به رزمندگان خدمت کند. یکی کلاه می‌بافت، آن یکی شال می‌بافت، کسی غذا درست می‌کرد و دیگری جوراب‌های رزمندگان را می‌دوخت.»

او یادآور می‌شود: «حال و هوای آن سال‌ها دیگر تکرار نمی‌شود. همه همدل و همصدا با هم زندگی می‌کردند و رزمندگان با خیال آسوده خانواده‌هایشان را به همسایه‌ها می‌سپردند.»

«زهره شهربانی»، یکی از ساکنان محله سلامت هم از آن روزهای جنگ و خدمت بانوان در پشت جبهه‌ها خاطره‌های زیادی دارد. او می‌گوید: «در آن دوران می‌کوشیدیم با جمع کردن دارو، دوختن ملحفه و سرکشی به بیمارستان‌های محل بستری مجروحان بیشتر وقتان را صرف رسیدگی به آنها کنیم.»

همین‌طور که زهره شهربانی دفتر خاطرات



برادران شهید سخنور

از پسرانم جا ماندیم

خیابان ولی‌عصر (عج) را که به سمت شمال حرکت کنیم، تابلوی ۲ کوچه به نام شهیدان سخنور چشم‌نوازی می‌کند. آنها ۲ برادر نوجوان بودند که همراه پدر عازم جبهه‌ها شدند. پاتوق شهیدان حسن و حسین سخنور مسجد شیشه بود. «احمد سخنور» پدر این ۲ شهید می‌گوید: «وقتی جبهه می‌رفتند سن ۱۸ سالگی نبود. وقتی هم به شهادت رسیدند هنوز ۱۸ سالشان نشده بود.» او مرد ۷۶ ساله‌ای است که عشق و ارادتش به انقلاب و ارزش‌های آن، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد: «من خیاط بودم و در تولیدی که داشتم مشغول به کار بودم. وقتی انقلاب شد و صحبت از غیرشرعی بودن سرقفلی شد، دلم طاقت نیاورد. مغازه را با تمامی اسباب و اثاثیه فروختم و راهی جبهه شدم. در آن زمان ۳ پسر من یعنی قاسم، حسن و حسین محصل بودند و حریف هیچ‌کدام هم نمی‌شدم که سر درس و مشقشان بمانند و به جبهه فکر نکنند. همگی سر پرسودایی برای رفتن به جبهه داشتیم.

وقتی به جبهه رفتم آنها مرد خانه شدند. تا وقتی که پول مغازه بود، همه چیز خوب بود و من می‌توانستم در جبهه‌ها بمانم. اما وقتی پول مغازه تمام شد و مشکلات مالی دیگر پیش آمد، ترجیح دادم به جای جبهه رفتن دین خود به مردم را پرداخت کنم. من که برگشتم بچه‌ها شروع به رفتن کردند.» حرفش که به اینجا می‌رسد، مکنی می‌کند. در مکت کوتاهش بغض خوابیده در گلو را قورت می‌دهد و ادامه می‌دهد: «حسن و حسین یک لحظه هم از یکدیگر جدا نمی‌شدند، هرچند حسن بیشتر بچه آرام و محجوبی بود و بر عکس او حسین پر جنب‌و‌جوش و بازیگوش بود. آنها پای ثابت مسجد شیشه بودند. همه عشقشان بعد از تعطیلی مدرسه، رفتن به این مسجد و خدمت کردن در لباس غلامی امام حسین (ع) بود. آنقدر در مسجد می‌ماندند که مش‌عباس با



احمد سخنور
پدر شهیدان سخنور



اشرف شفاعیان
مادر شهیدان سخنور

یک شیلنگ دور حوض مسجد دنبالشان می‌گذاشت تا از مسجد بیرونشان کند. کارشان در مسجد خدمت به مردم بود. در محرم و صفر هر سال پای دیگ نذری بودند، از برنج آبکش کردن تا کشیدن غذا. عشق و اردتشان به حسین (ع) زیاد بود. بغض باز در گلویش می‌پیچد و زیر لب زمزمه‌کنان می‌گوید: «حسینی بودند و حسینی به شهادت رسیدند.» «اشرف شفاعیان» مادر این ۲ شهید هم از آخرین اعزام حسن برآیمان می‌گوید: «آخرین بار که حسن راهی شد، دلم طاقت نیاورد. پشت سر او برای بدرقه‌اش راهی شدم. وقتی به محل اعزام رسیدیم، دخترم در حالی که کودکش را در بغل و پلاکاردی با این جمله که «هر که دارد هوس کرب و بلا بسیم الله» در دست داشت، سوزه عکاس‌ها شد تا این عکس سال‌های سال ماندگار شود.»



روایت صبوری و استقامت اهالی بریانک در روزهای تلخ موشکباران تهران

زمستان سیاه بریانک

محمد رضا محمدی تاش

قرار آتش‌بس بود. روزهای آخر اسفند ۶۶ همه مشغول خانه‌تکانی شب‌عید بودند. خانه‌ها از تمیزی برق می‌زد. اهالی در تدارک استقبال از جشن باستانی نوروز بودند. اما واژه آتش‌بس فراتر از حد و درک دیکتاتوری صدام بود. او ۴۸ ساعت بعد از اعلام آتش‌بس با روانه کردن موشک‌هایش به تهران و محله بریانک قاعده آتش‌بس را ناجوانمردانه شکست. شکست این آتش‌بس شب تلخ و سیاه اهالی محله بریانک را طی چند دقیقه با برجای گذاشتن ده‌ها شهید رقم زد. البته بر اساس آمارهای رسمی، ۳۲ شهید از این محله در همان موشکباران تقدیم دفاع از تمامیت ارضی کشور شد. یکباره محله بریانک تبدیل به ویرانه‌ای شد و از خانه‌هایی که برق تمیزی‌شان چشم را می‌زد جز تلی از خاک‌ستر باقی نماند. در این گزارش راهی محله بریانک و مسجد امام حسن عسکری (ع) شدیم و با اهالی و کسانی که در جریان موشکباران عزیزانشان به شهادت رسیدند، گفت‌وگو کردیم. ▶

وقتی صدام آتش‌بس را شکست

«شنبه شب، دم غروبى دلشوره عجیبی گرفتم. آتش‌بس اعلام شده بود، اما همچنان قانونی خاموشی در تهران به قوت خود پا برجا بود. دلیل دلشوره‌ام را نمی‌دانستم. زندگی در حال و هوای جنگ و موشکباران این نگرانی‌ها و دلشوره‌ها را هم اقتضا می‌کرد. آن موقع من فقط ۲۲ سال داشتم. قرار نبود همه اعضای خانواده دور هم جمع شویم اما...»

«مرتضی حسین پرست» از اهالی محله بریانک و کوچه «برادران رزم‌جومین» این را می‌گوید و خاطره تلخ شهادت برادرانش را در شب اصابت موشک در محله بریانک تعریف می‌کند: «یکشنبه ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ بود. هنوز یک سال از مرگ پدرم نگذشته بود و علت دور هم جمع شدن ما برای تدارک سالگرد پدر بود. اما آن شب هیچ قراری نداشتم. ساعت نزدیک ۹:۳۰ شب بود که به خانه برگشتم. مادرم تنها بود. بی‌برنامه‌ریزی ۲ برادر دیگر هم از راه رسیدند. یکی از برادرهایم مجرد بود و دیگری هم همراه همسر و فرزند خردسالش آمدند. در کمتر از ۱۰ دقیقه دور هم جمع شدیم. یکی از برادرهایم به خاطر شیفت‌کاری اعضای خانواده‌ها زیاد دور هم جمع نمی‌شدند یا اینکه بساط مهمانی‌ها به سرعت جمع می‌شد.»

آقا مرتضی بنا بر قاعده روزهای جنگ این دوره‌می غیرمنتظره را در آن شب تلخ عجیب می‌دانست. او ادامه می‌دهد: «سفره شام را پهن کردیم. مادر برای آوردن شام به آشپزخانه رفت و پسر یک سال و نیمه برادرم روی پایم نشسته بود. خانه ما دوطبقه بود. یکدفعه دیدم سقف شکاف عمیقی برداشته است. فقط فکر حفاظت از جان برادرزاده‌ام بودم. محکم در آغوش گرفتمش و به کنج اتاق رفتم تا آوار روی سرش نریزد. دیگر هیچ نفهمیدم. همه این اتفاقات چند ثانیه هم طول نکشید. بعد از یک ساعت متوجه ماجرا شدم. در این حادثه ۲ برادرم و همسر برادرم شهید شدند. مادرم که در آشپزخانه بود، دچار شکستگی استخوان شد. زخم جسمی‌اش خوب شد، اما جرات روحی‌اش هرگز.»



در نشست هماهنگی برنامه‌های هفته دفاع مقدس صورت گرفت

برنامه‌های هفته دفاع مقدس در منطقه ۷

جلسه هماهنگی برنامه‌های هفته دفاع‌مقدس با حضور شهردار منطقه ۷، فرمانده سپاه ناحیه شهید مطهری و مدیران شهرداری این منطقه برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی شهرداری منطقه ۷، در ابتدای این جلسه «سمیه حاجوی» شهردار منطقه به تشریح برنامه‌های در نظر گرفته‌شده برای هفته دفاع‌مقدس در این منطقه پرداخت و گفت: «مسئال همزمان با هفته دفاع‌مقدس و باتوجه به خطر ناشی از شیوع ویروس کرونا، سپاه پاسداران و شهرداری منطقه برنامه‌های

خانه رفته بودیم. ۴۸ ساعت بود که آتش بس اعلام کرده بودند و خیالمان از بابت موشکباران راحت بود. سوار ماشین حوالی کشتارگاه (میدان بهمن فعلی) بودیم که رادیو اُژیر قرمز کشید و بلافاصله اعلام کرد تهران موشکباران شده و نخستین موشک به محله بریانک اصابت کرده است. پدرم گفت: علی گاز ماشین رو بگیر زود بریم خونه. «علی کرباسی» از اهالی محله بریانک و مسئول بسیج مسجد امام حسن عسکری (ع) و برادر شهید «دکتر مهدی کرباسی» از شهدای والفجر ۸ که در منطقه فاو به شهادت رسید، با بیان این مطلب سر صحبت را باز می‌کند و می‌گوید: «مادر و برادرم در خانه بودند و حسابی نگران بودیم. به سرعت خودمان را به چهارراه رضایی رساندیم. خیابان را بسته بودند. طناب‌کشیده بودند و به کسی اجازه ورود نمی‌دادند. رقتم جلو گفتم خانه ما در محدوده اصابت موشک است. دیدم بخشی از خانه ما خراب شده است. جلوتر که رفتم مادرم را دیدم. صورتش پر از خرده شیشه بود. بر اثر موج انفجار در آهنی خانه پیشانی برادرم را شکافته بود و برای درمان راهی بیمارستان شدیم.»

آقای کرباسی با اشاره به همدلی مردم و همسایه‌ها و بسیج برای امدادرسانی، از ماجرای سرفت از خانه‌های ویران شده یاد می‌کند: «در ماجرای موشکباران محله بریانک تعداد ۳ شهید در بهشت‌زهر(اس) ثبت شده است. از اول شب تا صبح به امید زنده بودن افراد زیرآوارمانده کسی نخواستیم. همه کشته‌شدگان را از آوار بیرون کشیدیم. حدود ۷ تا ۸ خانه با خاک یکسان شد و از آنها جز تلی از خاکستر باقی نمانده بود.»

تا چشم کار می‌کرد خاکستر و دود بود

مسیر اصابت موشک به محله بریانک از غرب به شرق بود و بر اساس یک قاعده نظامی اگر موشکی به یک محدوده اصابت کند، برای دفعه بعد این اتفاق تکرار نمی‌شود. «منوچهر ملکی دبیری» از دیگر اهالی کوچه شهید سیار و مسئول هیئت امنای مسجد امام حسن عسکری(ع) با بیان این مطلب تعریف می‌کند: «ساعت ۸ شب روز موشکباران از منزل یکی از بستگان به خانه برگشتیم. یک دفعه شیشه‌های آشپزخانه ما خرد شد. به همسر گفتم موشک به محله ما اصابت

کرده است، اما دیگر محله ما بر اساس یک قاعده نظامی موشکباران نمی‌شود. مادرم در نزدیکی ما ساکن بود و نگران او شدم. از خانه که بیرون زدم تا چشم کار می‌کرد، خاکستر و دود بود. سعی کردیم با همکاری نیروهای بسیج و همچنین کمک گرفتن از اهالی مسجد امام حسن مجتبی(ع) وضعیت محله و همسایه‌ها را ساماندهی کنیم.»به گفته آقای ملکی دبیری، در این حادثه افرادی از خانواده‌های سریدار، احمدی، رزم جومین، استوار کشاورز و صدیق به شهادت رسیدند.

شهادت کل یک خانواده

طبق قاعده روزهای جنگ و موشکباران مردم اغلب برای حفظ جان خود به شهرها و روستاهای اطراف تهران سفر می‌کردند تا از گزند موشک و بمباران‌های گاه و بی‌گاه جان سالم به در ببرند. «مسعود ستوده» از دیگر شاهدان عینی اصابت موشک به محله بریانک و عضو هیئت امنای مسجد امام حسن عسکری (ع) می‌گوید: «ساعت ۸ شب به تهران رسیدیم. به خیال آتش‌بس و خاموش شدن سر و صداها در واقع سر خانه و زندگی‌مان برگشتیم.



موشک در باغ متروک

به جز بریانک، محله هفت‌چنار هم از موشک‌های جنگ تمحیلی بی‌نصیب نماند. به فاصله چند روز بعد از اسفند سال ۶۶ در فروردین سال ۶۷ موشک‌ها این بار در محله هفت‌چنار و باغ مرحوم اعتماد در مقابل موزه حیات وحش هفت‌چنار و بوستان اعتماد فعلی فرود آمدند. «حسن کریمی» از اهالی خیابان گلستانی و شاهدان ماجرا دریا ره روز اصابت موشک به محله هفت‌چنار می‌گوید: «آن زمان ساکن خیابان گلستانی بودیم. به دلیل شرایط جنگی بیشتر مغازه‌ها تعطیل و اغلب مردم در سفر بودند. ساعت ۱۰ یا ۱۱ صبح بود که صدای مهیبی شبیه انفجار آنگرمگن در محله پیچید. یک موشک به عمارت متروک اعتماد اصابت کرده بود. باغ متروک بود و فقط سراسریدار و خانواده‌اش در آن ساکن بودند. خوشبختانه آسیب جدی به آنها وارد نشد. البته شیشه مغازه‌های اطراف که دیگر اثری از آنها نیست، شکست و کرکه‌هایشان تا شعاع چند متری بیرون باغ پرتاب شد.» به گفته کریمی، بر اثر موج انفجار این موشک مدرسه آیین تربیت سابق و دکتر ترابی، ابتدای کوچه قهرودی صدمه دید.

پدر مرحومم برای خوابیدن آماده می‌شد. در فاصله چشم برهم زدن شیشه‌های خانه شکست و در چشم پسرم ریخت. به سرعت به بیمارستان منتقلش کردیم تا آسیب جدی وارد نشود. خانه ما به نسبت خانه‌های ویران‌شده محله صدمه کمی دید و طاق یکی از اتاق‌ها لق شد.»

آقای ستوده در میان شهادای محله به شهادت دسته‌جمعی خانواده قاجار اشاره می‌کند و می‌گوید: «خانواده قاجار شب موشکباران جشن تولد داشتند و اقوام و اشیانشان از شهرستان مهمان خانешان بودند. بعد از پایان مراسم جشن تولد که طبق روال آن زمان‌ها به دلیل خاموشی و موشکباران زود بود، به پایان می‌رسید، یکی از پسرهای خانواده برای تهیه دارو راهی داروخانه می‌شود که در این فاصله با اصابت موشک به خانه کل اعضای این خانواده شهید می‌شوند و فقط همین یک پسر از آنها زنده می‌ماند.»

شیشه شکسته بیخ گلوی پسر

«وقتی موشک به محله بریانک اصابت کرد، حال و هوای محله شیشه فیلم‌های ترسناک شد. در آن لحظه هیچ چیزی قابل دیدن نبود. همه دستپاچه و مستاصل دنبال راهی برای حفظ جان بودیم.» «عزیزالله قنبری» این‌را می‌گوید و در ادامه تعریف می‌کند: «خانه ما شمالی بود. بعد از شکستن شیشه‌های پنجره یک تکه شیشه بزرگ مستقیم روی پتو زیر گلوی پسرمر پرت شد، اما خوشبختانه اتفاق تلخی نیفتاد و این بلا رافع شد. همدلی مردم در آن روزها بی‌نظیر بود. برای مثال آقای ملکی دبیری همراه یکی از شیشه‌برهای محله در همان روزها راه افتاده بودند در محله و شیشه‌های شکسته خانه اهالی را تعمیر می‌کردند.»



سرپرست شهرداری منطقه ۱۰ اعلام کرد

ویژه برنامه‌های متفاوت دفاع مقدس در روزهای کرونایی



مجید رباطی
سرپرست شهرداری منطقه ۱۰

همزمان با فرا رسیدن چهلمین سالگرد دفاع‌مقدس و همچنین ترویج فرهنگ ایثار و شهادت میان نسل جدید، ویژه‌برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری از سوی شهرداری منطقه ۱۰ اجرایی‌شود. در این راستا دومین نشست هماهنگی برنامه‌های هفته دفاع‌مقدس با حضور فرمانده ناحیه مقاومت بسیج مقدا و جمعی از معاونان، سرپرست شهرداری منطقه ۱۰ و هیئت همراه در ساختمان ناحیه مقاومت بسیج مقدار برگزار شد.

در این نشست سرپرست شهردار منطقه ۱۰ با اشاره به تقارن ایام محرم و صفر با ایام گرامیداشت پید و خاطره از خودگذشتگی، ایثارگری و رشادت‌های سربازان اسلام در جنگ تحمیلی و دفاع‌مقدس گفت: «هفته دفاع‌مقدس یادآور افتخارات، شهامت‌ها و رشادت‌های بزرگمردانی است که حماسه آفریدند و دلاوری‌های آنها در تاریخ به یادگار ماند تا الگوی مناسبی از جریان‌های فرهنگی در جامعه و بین نسل جوان ترویج داده شود.»

«مجید رباطی» در ادامه بر نهادهایه کردن و تقویت ارزش‌های دفاع‌مقدس مانند ولایت‌مداری، وحدت و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت برای ادامه مسیر شهادی انقلاب اسلامی تأکید کرد و افزود: «با توجه به شرایط کرونایی کشور و خطرات ناشی از آن با برنامه‌ریزی و تمهیدات صورت‌گرفته برنامه‌های متنوعی برای گرامیداشت این روزها با رعایت تمامی نکات و پروتکل‌های بهداشتی در دستور کار قرار گرفته است.»

به گفته رباطی، فضاسازی سیمای شهری و تبلیغات محیطی میدان‌ها، معابر، ساختمان‌های ستادی، نواحی، سراسر محله‌ها و فضاهای باز در اختیار منطقه از جمله زمین چمن شهادی جیحون برای برگزاری نمایشگاه موضوعی انجام می‌شود.

او همچنین با اشاره به شهادت سردار قاسم سلیمانی که برنامه‌های هفته دفاع‌مقدس را متفاوت کرده است، ویژه‌برنامه‌های این هفته را تشریح کرد: «برپایی خیابان ورزش، مسابقات ورزشی، پوشش سه‌شنبه‌های بدون خودرو با محوریت هفته دفاع مقدس، رزمایش ضدغفونی معابر با همکاری ناحیه مقدا و توزیع اقلام بهداشتی و معیشتی از مهم‌ترین برنامه‌های تدارک دیده‌شده به مناسبت هفته دفاع‌مقدس در منطقه ۱۰ است.»

همچنین دیدار با خانواده معظم شهیدا و رزمندگان با عنوان «آبروی کوچه‌ها»، رونمایی از کتاب شهادی محله‌ها دهگانه، برپایی نمایشگاه کتاب شناخت دفاع مقدس، برگزاری یادواره شهیدا و برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری در فضاهای مجازی، ایجاد گذر خاطره‌ها، قدردانی از خانواده‌های معزز شهیدا، دیدار با رزمندگان و پیشکسوتان ۸ سال دفاع مقدس، گل افشانی و عطر افشانی مزار مقدس شهدا، نمایش برترین فیلم‌های دفاع‌مقدس در بوستان‌های منتخب، براندازی کارون نمادین رزم و نصب تمثال شهدا از دیگر برنامه‌هایی است که سرپرست شهرداری منطقه ۱۰ به آن اشاره می‌کند.

گفت‌وگو با مدیر رادیو محله که به تازگی در منطقه ۷ راهاندازی شده است

صدای خود را از رادیو محله می‌شنوید

شقایق عرفی‌نژاد



چند وقتی است که اهالی محله حشم‌تیه و قصر، دبستان و ارامنه صاحب یک رادیو شده‌اند.

رادیو محله یک رادیوی محلی است که به تولید پادکست و فایل‌های صوتی خبری از محله می‌پردازد. این فایل‌ها روی کانال تلگرامی قرار می‌گیرند و اهالی می‌توانند با عضویت در این کانال هم به پادکست‌ها گوش دهند و هم مشکلاتشان را با مسئولان رادیو در میان بگذارند تا به مدیریت شهری منتقل شود. مدیر این رادیو «سمیه عزتی» معاون اجتماعی شهردار ناحیه ۵ منطقه ۷ است و مدیران محله‌های دبستان، حشم‌تیه و ارامنه با او همکاری می‌کنند.

رادیو محله از کی و با چه ایده‌ای شروع به کار کرد؟

با شیوع کرونا بخشی از فعالیت‌هایی که در بوستان‌ها انجام می‌شد، لغو شد و با به‌صورت خیلی محدود صورت گرفت. یعنی اگر در ماه ۱۰ برنامه اجرایی داشتیم، الان یک برنامه اجرا می‌شود. به همین دلیل و با توجه به اینکه همه فعالیت‌ها از جمله کلیپ‌های آموزشی به‌صورت مجازی انجام می‌شود، سعی کردیم خلاقیت داشته باشیم. رادیو محله یکی از این کارها بود. در ناحیه ۵ با ۳ مدیر محله صحبت کردیم که رادیو محله را راه بیندازیم که هم درباره برنامه‌های س‌را و سمینارها و فرهنگسراها و درمانگاه‌ها اطلاع‌رسانی داشته باشیم و هم با اهالی در ارتباط باشیم. آقای حسینیان، مدیر محله دبستان هم با توجه به صدای خوبی که دارد، گویندگی این کار را قبول کرد. از اواخر تیرماه و از زمان راهاندازی این رادیو ۳ برنامه تولید کرده‌ایم، اما در طول محرم نتوانستیم برنامه‌ای داشته باشیم. هرچند برنامه جدید هم به‌زودی تولید می‌شود و در اختیار اهالی قرار می‌گیرد. موضوع این برنامه کارهایی است که در طول هفته در سرای محله‌ها و شهرداری انجام شده است.

منابع خبری شما چیست؟

ما اخبار را از اداره شهرسازی، عمران و از خدمات شهری درباره اینکه چه خدماتی در کدام خیابان‌ها انجام شده است، دریافت می‌کنیم و این برنامه‌ها را در رادیو انعکاس می‌دهیم. همین‌طور در مناسب‌های مختلف برنامه داریم.

خبر دارند، ولی هنوز ارتباطی که دوست داریم برقرار نکرده‌اند. شاید هم زود است و باید صبر کنیم. در فاز بعدی که صدای شهروندان را در رادیو خواهیم داشت، مسلماً اتفاق بهتری می‌افتد. وقتی شهروندان متوجه شوند صدایشان به گوش شهرداری می‌رسد، حتماً ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند.

این پادکست‌ها چه زمانی منتشر می‌شوند؟

روزهای چهارشنبه هر هفته قسمت‌های جدید این پادکست‌ها منتشر می‌شوند. فکر می‌کنید این کار چقدر می‌تواند به حل معضلات شهری کمک کند؟ فکر می‌کنم اگر کار ابتر نماند و بتوانیم همکاری همه ارگان‌ها و همراهی مردم را داشته باشیم، اتفاقات خوبی می‌افتد. بعد از کرونا فعالیت‌سراهای محله‌ها به‌صورت حضوری و فیزیکی کمتر شد. گرچه در فضای مجازی فعال هستند. انگار وارد یک برهه جدید شده‌ایم. همه چیز را به نظرم باید به سمت فضای مجازی ببریم تا حضور مردم در این شرایط در امکان عمومی‌کم‌تر شود. اصلاً کرونا هم که پیش نمی‌آمد، با توجه به گسترش فضای مجازی فعالیت‌ها خود به خود به همین سمت پیش می‌رفت. از جمله استراتژ آپ‌ها، بنابراین رادیو محله اقدام خوبی است که می‌تواند تأثیرگذار باشد. به شرط اینکه واقعا کار کنیم و تنها تولید یک برنامه برایمان مهم نباشد.

مردم چطور می‌توانند با این رادیو همکاری داشته باشند و مشکلاتشان را مطرح کنند؟ اهالی می‌توانند در همان کانال برایمان پیام بگذارند و مشکلاتشان را مطرح کنند یا آن را از طریق شورایاران به گوش ما برسانند. این مشکلات را در جلسات هفتگی که با شهردار ناحیه مطرح می‌کنم و مهندس حیدرپور و سایر مدیران ناحیه ۵ تا جایی که اعتبارات اجازه دهد، برای حل آنها اقدام می‌کنند.

سیدامیر حسینیان
مدیر محله دبستان و فعال حوزه برنامه‌سازی

خوراک فرهنگی برای اهالی منطقه ۷



هدف ما از این برنامه اطلاع‌رسانی به مخاطبان بود. به دلیل کرونا بخش زیادی از مخاطبان حضوریمان را از دست دادیم و سعی کردیم این شکاف را کمتر کنیم. در عین حال س‌راهای محله و شهرداری تلاششان را در انجام وظایفی که برعهده دارند، می‌کنند. ما سعی کردیم با این برنامه هم نیازهای اجتماعی را در زمینه عمران و فرهنگ به گوش مسئولان برسانیم و هم اقداماتی را که مسئولان انجام داده‌اند، منعکس کنیم تا اهالی مطلع شوند. در گام دوم سعی کردیم اخباری را از محله‌ها داشته باشیم مبنی بر اینکه چه کارهایی در شهر در حال صورت گرفتن است. مثلاً مردم صبح که از خانه بیرون می‌آیند ممکن است متوجه آسفالتی که تازه عوض شده، نشوند. ما این موارد را اطلاع می‌دهیم. این کار اصطکاک اجتماعی را کاهش می‌دهد و مردم را متوجه اتفاقاتی که در شهر افتاده، می‌کند. هدف بعدی این است که به مردم در مورد کارهایی که قرار است انجام شود، اطلاع‌رسانی کنیم. بعد هم اگر بتوانیم با اداره‌ها و سازمان‌ها ارتباط برقرار کنیم، در مورد فعالیت آنها به اهالی خبررسانی می‌کنیم تا آگاهی داشته باشند. به‌عنوان مثال اگر اداره برق برنامه جابه‌جایی تیرهای برق را داشته باشد، ما آن را به اهالی اطلاع می‌دهیم تا بدانند در چه روز و ساعتی با قطعی برق مواجهند و بتوانند برنامه‌ریزی کنند. در حوزه اجتماعی س‌راهای محله به دلیل کرونا به سمت فعالیت در فضا‌های مجازی پیش رفته‌اند. مخاطب مجازی ما امروز نیازمند یکسری بسته‌های اطلاعاتی است. اگر او را رها کنیم، از دستش داده‌ایم. به همین دلیل باید به او خوراک فرهنگی بدهیم. این خوراک فرهنگی از طریق پادکست‌ها می‌تواند خیلی دلنشین‌تر باشد. ضمن اینکه نشان می‌دهد شهرداری و س‌را‌های محله‌ها نگاه سنتی ندارند. پادکست‌ها گزارش‌هایی هستند که به اقتصاد کلان دنیا کمک می‌کنند و باعث می‌شود مردم در کمترین زمان به بیشترین اطلاعات دست پیدا کنند. هدف ما هم همین است. در ضمن سعی می‌کنیم از موسیقی‌های جدید استفاده کنیم تا مردم ارتباط بیشتری برقرار کنند. می‌خواهیم در هر قسمت از این برنامه با یکی از نخبگان با قدیمی‌های محل صحبت کنیم. همین‌طور به معرفی یکی از بناهای هویتی محل مثل عمارت کلاه‌فرنگی بپردازیم.

متنی محسن
مدیر محله حشم‌تیه

پاتوق مجازی شهروندان و مدیران شهری

به دلیل شیوع کرونا و کم‌رنگ شدن فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و مشارکت شهروندان تصمیم گرفتیم با همکاری اداره اجتماعی ناحیه ۵ و محله‌های سه‌گانه ناحیه یک رادیوی هفتگی راه بیندازیم و فعالیت‌هایی را که در طول هفته انجام می‌شود، در قالب پادکست به اطلاع شهروندان و اهالی ناحیه برسانیم. قصد داریم برای ارتباط بیشتر شهروندان با این رادیو مشارکت آنها را در تهیه این برنامه هفتگی جلب کنیم. قرار است یک روز در هفته را مشخص کنیم که شهروندان پیام‌های صوتی خود را برای ما بفرستند و اداره‌های مختلف یا شهردار ناحیه پاسخگوی این پیام‌ها باشند. رادیو محله در واقع پاتوقی است برای گفت‌وگوی شهروندان و مدیران شهری و اینکه با برنامه‌هایی که در طول هفته برگزار شده، آشنا شوند.

کاسب با انصاف محله سلسبیل در این روزهای همه‌گیری کرونا هوای همسایه‌ها را دارد

نیازمندان واقعی را دریابیم

هاژده توکلی

«اصغر لشگری» خواربار فروش محله سلسبیل در خیابان شهیدان (ناصری سابق) از دست آن کسبه با انصافی است که در این روزها هوای مشستریان به ویژه همسایه‌ها را دارد. این کاسب همسایه ما با توجه به نوع شغلش و نیاز مردم به تهیه خوراکی‌های روزانه، معمولاً قیمت اجناس مغازه را بر حسب نوسان دلار تغییر نمی‌دهد و اغلب قیمت‌ها را رند حساب می‌کند. راهی مغازه آقای لشگری شديم و درباره کسب وکار و حمایت از نیازمندان در این روزهای همه گیری کرونا گفت و گو کردیم.



عکس: حسین تهران

«اصغر لشگری» کاسب اصالتاً قزوینی خیابان شهیدان، حدود ۸ سال است که در محله سلسبیل مغازه خواربار فروشی دارد. او معتقد است باید هوای همسایه‌هایی را که نیازمند واقعی هستند در این روزهای کرونایی داشت. او با یادی از زادگاهش سر صحبت را باز می‌کند و می‌گوید: «در شهر ضیاءآباد به دنیا آمدم و همشهری خلبان آزاده و معروف جنگ شهید «حسین لشگری» هستم. با او در مدرسه هم‌کلاسی بودم. حدود ۳۰ سال

در ایران خودرو مشغول کار بودم و چند سالی است که با راه اندازی مغازه خواربارفروشی در خدمت همسایه ها هستم. در این روزهای همه گیری کرونا دست بسیاری از خانواده‌های آبرومند تنگ شده است. به همین دلیل سعی می‌کنم قیمت اجناس را با توجه به بودجه مالی مشتری‌ها کم کنم. اگر جنسی را از قبل خریداری کرده باشم با همان نرخ قدیمی با مشتری حساب می‌کنم. ترجیح می‌دهم به جای این که به فکر افزایش قیمت‌ها بر اساس نوسانات دلار باشم، کاری کنم تا در این روزها هیچ کس شرمنده خانواده‌اش نشود.»

به گفته اهالی، اصترافاً در زمان ارائه صورتحساب به مشتری عموماً قیمت را رند حساب می‌کند و پول خرد را از مشتری دریافت نمی‌کند.

کداپروری کنیم

اصترافاً در کار خیر و شناسایی نیازمندان در محله



اصغر لشگری
کاسب محله



آشتی با گل و گیاه در روزهای خانه‌نشینی

همنشینی با بنفشه آفریقایی

این روزها که بسیاری از خانه نشین شده‌اند و از خانه کار می‌کنند بیرون از خانه هم نمی‌روند، فرصت خوبی است برای امتحان کارهایی که شاید به دلیل مشغله‌های روزمره کمتر سراغشان می‌رفتیم. آشتی با گل و گیاه و کشت گونه‌های نایاب گیاهی یکی از این کارهاست. «مهناز فلاحي» همسایه فعال و طبیعت دوست ما در محله هفت چنار در پازل دهم پایتخت از این فرصت برای پرورش بنفشه آفریقایی در خانه استفاده کرده است. تلاش‌های خانم فلاحي برای کشت این گیاه آفریقایی نتیجه داده و در حال حاضر بخشی از خانه اش را به پرورش این گیاه اختصاص داده است؛ گیاهی که به گفته خانم همسایه در این روزهای پر تنش کرونایی در ایجاد آرامش روانی میان اعضای خانواده موثر است.

«مهناز فلاحي» از اهالی محله هفت چنار است که از سال ۸۷ با حضور در کلاس‌های مرکز تحقیقات آموزش و مشاوره فضای سبز بوستان نیلوفر از علاقه‌مندان به پرورش گل و گیاه آبارتmani شد. او در این باره می‌گوید: «مادرم ساکن محله هفت چنار در حوالی بوستان نیلوفر بود و من در کرج زندگی می‌کردم، اما برای شرکت در کلاس‌ها هفته‌ای چند بار به تهران می‌آمدم. تا این که سال ۹۲ از کرج به تهران کوچ کردم و در محله هفت چنار ساکن شدم و به صورت مستمر در کلاس‌ها شرکت کردم. بر اساس دوره‌های آموزشی، کاشت و تکثیر گیاهان مختلفی را تجربه کردم. در پرورش و تکثیر بیشتر گیاهان موفق بودم. حتی گیاهان نادری را هم که نگهداری از آنها در فضای آپارتمانی کار سخت یا غیرممکنی بود، پرورش دادم.» به گفته همسایه ما، حضور در دوره‌های آموزشی مرکز تحقیقات آموزش و مشاوره فضای سبز بوستان نیلوفر بهترین فرصت برای آزمون و خطا در پرورش و تکثیر گیاهان مختلف بود. «چون در این دوره‌ها می‌توانستم مستقیم و بی‌واسطه از راهنمایی کارشناسان استفاده کنم و همین به افزایش میزان اطلاعات و دانشم در زمینه پرورش و نگهداری گل و گیاه کمک کرد.»

گیاهان آفریقایی، کنج اتاق

بنفشه آفریقایی یکی از همین گیاهان نادری است که «مهناز فلاحي» کاشتش را در این روزهای کرونایی در خانه تجربه کرده است؛ تجربه موفقی که باعث شد این گیاه خوش آب و رنگ آفریقایی مقیم کنج اتاق خانه شود. همسایه طبیعت دوست ما درباره فوت و فن تکثیر این گیاه سرسخ آفریقایی توضیح می‌دهد: «فلند گذشته تصمیم به کشت بنفشه آفریقایی در خانه گرفتم. همسرم برای پرورش این گیاه یک استند ساخت و برای تأمین نور مورد نیاز بنفشه داخل این استند با لامپ‌های (MFD) نورپردازی شد. این گیاه به روش قلمه‌زنی تکثیر می‌شود. ریشه بنفشه آفریقایی نسبت به آب زیاد حساس است و دچار پوسیدگی می‌شود. بهترین زمان برای آبیاری بنفشه آفریقایی موقعی است که خاک کاملاً خشک شده و گل بنفشه احتیاج زیادی به آب داشته باشد. اگر هنوز خاک خیس است، به گیاه آب ندهید. با لمس کردن خاک می‌توانید از خشکی آن مطمئن شوید. یکی از روش‌های آبیاری این گیاه از طریق زیر گلدانی گود است. در این روش زیرگلدانی را از آب پر کنید. بعد از ۱۵ دقیقه آب از راه منفذ کف گلدان جذب خاک می‌شود. بعد آب اضافی زیر گلدانی را خالی کنید. روی برگ‌ها به هیچ وجه نباید آب ریخته شود.»

بهترین خاک برای پرورش بنفشه آفریقایی ترکیبی از خاک برگ و خاک پرلیت‌دار است. فلاحي با بیان این مطلب ادامه می‌دهد: «البته من برای کشت گیاه از خاک کوکوپیت که غشای نارگیل است هم استفاده می‌کنم و همچنین گیاه را در گلدان‌های کوچک استکانی نگهداری می‌کنم.»



مهناز فلاحي
ساکن محله هفت چنار



بازار و بازاریان تهران در ماه محرم

اقتصاد خودگردان عزاداری متفاوت

پیوند میان بازاریان و ارزش‌های مذهبی آنها را مکلف می‌کرد تا متولی آیین‌های مذهبی و در رأس همه آنها متولی برگزاری آیین سوگواری محرم در تکایا و حسینیه‌ها و برپایی بساط ندورات باشند

فاطمه عسگری‌نیا

بازار تهران از دیرباز جذابیت‌های خاصی برای گردشگران داخلی و خارجی داشته است، اما یکی

از جاذبه‌های این مجموعه تاریخی و قدیمی مراسم سوگواری در محرم است. شیوه عزاداری محرم در بازار تهران با همه نقاط دیگر این شهر تفاوت دارد؛ چراکه بازاری‌ها به سبک و سیاق خود این مراسم را تدارک می‌دیدند و اجرا می‌کردند. با «مهدی یساولی» پژوهشگر تاریخ در این باره به گفت‌وگو نشستیم.

در دوره قاجار بازار تنها یک پهنه اقتصادی در شهر نبود، بلکه یکی از محله‌های شهر بود که در کنار دیگر محله‌ها اعم از سنگلج، عودلاجان، چال میدان و... شاهد زندگی جمعیت قابل توجهی از مردم بود. مهدی یساولی با بیان این مطلب می‌گوید: «بخش قابل توجهی از عرصه محله بازار در گذشته مسکونی بود و جمعیت زیادی در آن زندگی می‌کردند. خانه‌های بیشتر بازاریان در همسایگی بازار بود و این همسایگی باعث می‌شد



مهدی یساولی
پژوهشگر تاریخی

به گفته یساولی، بازاریان هم تمکن مالی داشتند و هم از دیدگاه‌های استوار دینی پیروی می‌کردند و این پیوند میان بازاریان و ارزش‌های مذهبی آنها را مکلف می‌کرد تا متولی آیین‌های مذهبی و در رأس همه آنها متولی برگزاری آیین سوگواری محرم در تکایا و حسینیه‌ها و برپایی بساط ندورات باشند؛ سنتی که از پدران به پسران رسیده و همچنان ادامه دارد.

در بازار تهران که قدم برتیم موقوفات بسیاری می‌بینیم که بخشی از درآمد حاصل از آنها در طول سده‌های گذشته صرف برگزاری محافل و مجالس عزاداری اباعبدالله‌الحسین(ع) شده است.

روزهای عاشورا و تاسوعا هم فعالند و نیاز هیئت‌ها و دسته‌های عزاداری را مهیا می‌کنند.»

بیرق‌سازان

بیرق‌سازان هم از گذشته تا به امروز در بازار حضور داشته‌اند. البته به گفته یساولی قدیمی‌ها بیشتر بیرق‌ها را با دست تهیه می‌کردند و تمام نقوش روی پارچه کار دست مردان و زنان هنرمند و عاشق امام حسین(ع) بود، اما کم‌کم این کار هم صنعتی شد و سوزن ماشین‌ها بر بیکر بیرق‌ها نقش و نگار نشاندد.

به گفته این تاریخ‌شناس، بخش جنوبی ناصرخسرو از راسته خیابان مولوی تا خیابان ۱۵ خرداد، از قدیم محل فعالیت صنایع محرم بوده‌اند و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کلسبان این راسته دائم‌الوضو بودن آنهاست. آنها همیشه معتقد بوده‌اند با آیات الهی در ارتباطند و نباید دست بی‌وضو روی این سازه‌ها بخورد. مشتریانشان هم از جنس خودشان هستند؛ مشتریان ثابتی که هر سال وظیفه تأمین مایحتاج تکیه، حسینیه یا مسجد خود را عهده‌دار می‌شوند.

صنایع محرمی

سرآمدی بازار تهران در برگزاری مراسم خودجوش محرم و ماهیت اقتصادی آن باعث شد تا کم‌کم صنایع مرتبط با آیین سوگواری ماه محرم در

این پهنه شکل بگیرد. علامت‌سازان شاید نخستین گروه از صنعتگرانی بودند که در کوچه‌پس‌کوچه‌های بازار بساط فعالیت‌های خود را گسترانند. یساولی درباره فعالیت این صنف در بازار می‌گوید: «علم، کتل و بیرق از دوره قاجار به مراسم عزاداری اباعبدالله(ع) راه یافتند. اغلب علامت‌سازان در حوالی بازار و چهارراه سیروس متمرکزند و عمر خیلی از آنها به چند دهه می‌رسد.» یساولی از چهره‌های بنام این صنعت برآینام سخن می‌گوید: «کارگاه حاج جلال رضایی و حاج جواد جوادی بیش از ۶۰ سال است که در منطقه بازار به کار علامت‌سازی مشغول است. این کارگاه‌ها حتی در

بازار آویزان می‌شوند. بازاریان با تأمین لوازم و مایحتاج مراسم عزاداری از ندورات غذایی گرفته تا چای و قند و... بازار را برای پذیرایی از عزاداران اباعبدالله‌الحسین(ع) آماده می‌کنند.»

از این تکایا می‌توان به تکیه صدرالعلماء در بازار بین‌الرحمین اشاره کرد که در گذشته در بازار حلبی‌سازها واقع شده بود. نقاشی‌های منحصر به فرد سقف این تکیه به حدی زیباست که چشم هر بیننده‌ای را نوازش می‌دهد. این تکیه متعلق به اهالی شریق بازار است. آنها خود را مکلف می‌دانند در ماه‌های محرم این تکیه را برپا کنند.

مساجد و امامزاده‌های بازار

مساجد و امامزاده‌های موجود در پهنه بازار هم در محرم شاهد برگزاری مراسم ویژه‌ای در ایام سوگواری ماه محرم هستند. مسجد شاه قدیم که امروز به مسجد امام خمینی(ره) مشهور است یکی از مهم‌ترین مساجد فعال ماه محرم در بازار است. این مسجد همواره محل وعظ وعاظ مشهور تاریخ معاصر بوده است. امامزاده سید اسماعیل و امامزاده زید هم از جمله اماکن متبرکه و مقدسی هستند که هرساله شاهد برپایی مراسم عزاداری ماه محرم هستند.

چهارپایه‌خوانی در بازار

برگزاری مجالس روضه و سینه‌زنی در کنار مجالس روضه‌خوانی و سینه‌زنی باشکوهی برگزار می‌کردند. ناگفته نماند که بازاریان به جای اینکه خود را درگیر طواهر عزاداری کنند بیشتر به عمق عزاداری اهمیت می‌دادند. به همین دلیل مجالس وعظ و سینه‌زنی و روضه‌خوانی بازار هنوز که هنوز است زباند عام و خاص است. مهدی یساولی با بیان این مطلب می‌گوید: «چند روز مانده به محرم تمامی بازار سیاهپوش و پرچم‌های سیاه از مقابل هر کدام از حجره‌های

استرس و اضطراب یکی نیستند

مطالعات زیادی روی استرس و سلامت جسم و روان صورت گرفته است که نتایج آن همه نشان‌دهنده این است که استرس کنترل‌نشده می‌تواند نقش مهمی در ایجاد بیماری در هریک از ما داشته باشد.

بنفشه حیرت نگاری

چند شماره گذشته در مورد برقراری ارتباط مؤثر صحبت کردیم و ۷ قدم مؤثر یعنی گوش دادن، صداقت و صراحت داشتن، همدلی و همدردی، حفظ احترام متقابل و آرامش، ابراز نظر مخالف به روش درست، افزایش شناخت از خود و شناسایی تحریفات یا خطاهای شناختی را بیان کردیم. در شرایط کنونی به دلیل بیماری کرونا استرس شهروندان زیاد شده است و همگان گمان می‌کنند استرس همان اضطراب است. به همین دلیل لازم است ابتدا تفاوت این دو را بدانید.

حتماً همه ما در زندگی روزمره خود بارها شرایطی را تجربه کرده‌ایم که در وصف آن بانبر اطلاعات رایج، ابراز نظر مخالف به روش درست، افزایش شناخت از خود و شناسایی تحریفات یا خطاهای شناختی را بیان کردیم. در شرایط کنونی به دلیل بیماری کرونا استرس شهروندان زیاد شده است و همگان گمان می‌کنند استرس همان اضطراب است. به همین دلیل لازم است ابتدا تفاوت این دو را بدانید.



استرس به‌طور کلی، تجربه‌ای موقتی است. در حالی که اضطراب به‌طور دائمی مسئله‌ای درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

استرس به‌طور کلی، تجربه‌ای موقتی است. در حالی که اضطراب به‌طور دائمی مسئله‌ای درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

کلی، تجربه‌ای موقتی است. در حالی که اضطراب به‌طور دائمی مسئله‌ای درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

موقتی است. در حالی که اضطراب به‌طور دائمی مسئله‌ای درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

در حالی که اضطراب به‌طور دائمی مسئله‌ای درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

اضطراب مسئله‌ای دائمی درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

مستل‌های دائمی درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

درباره سلامت روحی و روانی افراد است.

رویی و روانی افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

افراد است.

● صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
● سردبیر: افشین امیرشاهی

● دبیر تحریریه: سروش جنبانی
● تحریریه: فاطمه عسگری نیا
بهاره خسروی / فاطمه عرفی نژاد

● مدیر هنری: کامران مهرزاده
● صفحه آرایی: محمدرضا محمدی تاش / علی حسینی / میلاد رفاقتی
● حروفچینی و تصحیح: منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی

● نشانی: خیابان ولی عصر (عج) ترسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● کد پستی: ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● صندوق پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● تلفن: ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● دورنگار: ۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت

بهاره خسروی

ماجرای قورخانه قبری



قورخانه نخستین کارخانه اسلحه سازی و صنعتی تهران محسوب می شود که در خیابان جلیل آباد (خیام امروزی) واقع شده است. بر اساس بعضی روایت ها قورخانه در زمان جنگ های ایران و روس و در عصر فتحعلی شاه قاجار ساخته شد. اما روایت موثق تری وجود دارد که قورخانه در زمان ناصرالدین شاه ساخته و در دوره رضاشاه تجهیز شد. اما حکایت این قورخانه که نامه یک کارگر آن و انتشارش در روزنامه باعث استعفای مشیرالدوله پیرنیا شد، مقدمات راه اندازی رادیو در آن تصمیم گیری شد، دروازه باغ ملی در آن ریخته گری شد و ابوالحسن صبا کارگر آنجا بود، چیست؟ شاهان قاجار اصالتا ترک بودند و کلمه قورخانه هم برگرفته از یک واژه ترکی به معنای زرادخانه یا کارخانه اسلحه سازی است. در این کارخانه در دوره قاجار به جز سلاح و مهمات جنگی، وسایل آتش بازی برای نمایش در شب های عید و جشن های مذهبی و ملی تولید می شد. قورخانه در بخش شمالی دارالخلافه ناصری جای گرفته بود و از آن به عنوان وزارتخانه قورخانه مبارکه یاد می شد. یکی از معروف ترین وزیران این وزارتخانه «رضا خان اقبال السلطنه» بود. البته این روزها از قورخانه چیزی جز سردر آن باقی نمانده است و همچنین بخشی از بنای آن به مترو امام خمینی (ره) پیوسته است.

گردشگری

موزه صلح

ایران یکی از کشورهای قربانی سلاح های شیمیایی است. به همین دلیل با استفاده از تجربیات جهانی برای نمایش گذاشتن رنج ها و سختی های بمباران های شیمیایی و پیامدهای غم انگیز جنگ و خشونت و ترویج فرهنگ صلح و دوستی میان ملت ها، موزه صلح در دل پارک شهر و محله سنگلج راه اندازی شد. این موزه یکی از موزه های عضو شبکه بین المللی موزه های صلح است. این موزه شامل کتابخانه صلح، گالری هنر برای صلح، کارگاه های آموزشی، بخش مجازی و استودیوی ثبت تاریخ شفاهی است. همچنین دارای یک سالن اصلی است که در آن نمادهایی برای نشان دادن پیامدهای جنگ در دنیا و عواقب کاربرد سلاح های شیمیایی و اتمی برای بازدید عموم در معرض نمایش قرار گرفته است. بخش اسناد و اشیای منحصربه فرد از جنگ شیمیایی علیه مردم ایران، استودیوی مستندی که در آن می توان سرگذشت قربانیان جنگ را به عنوان اسناد تاریخی ثبت و ضبط شده و کتابخانه از مهم ترین بخش های موزه صلح است. موزه صلح در خیابان وحدت اسلامی، خیابان شهید فیاض بخش، در شمالی پارک شهر واقع شده است.



کتابخوانی

عشق به زبان جنگ

همزمان با فرا رسیدن هفته دفاع مقدس برای ارج نهادن به مقام شامخ شهدا و زنده نگه داشتن یاد و خاطره دلاوری ها و رشادت های سربازان وطن، ویدئو کلیپ «عشق به زبان جنگ» از سوی فرهنگسرای خانواده در فضای مجازی منتشر می شود. در این ویدئو کلیپ به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس کتاب «آن طرف پل معلق» نوشته «زهره کیانی امینه» معرفی می شود. این کتاب روایت عشق همسر یک جانباز است که فداکارانه و با عشق کنار او زندگی می کند. این مجموعه داستان از ۱۸ داستان کوتاه و بلند تشکیل شده و با سبک بدیع و قلم نو چهاردهمین مجموعه داستان کوتاه نویسنده است. زهره کیانی امینه متولد (۱۳۳۳) از نویسندگان اصفهانی است که نویسندگی را از دوران دانشجویی آغاز کرده است. از او تاکنون کتاب های «مرغ ماهیخوار»، «من شیمیایی شده ام»، «مثل بختک»، مجموعه داستان «گریه نکن»، «یکی به آخر»، «فقط پنج دقیقه»، «ماهی و ماه» و «خدا هم خندید» منتشر شده است. شهروندان برای تماشای این ویدئو کلیپ، می توانند از ۲ مهر ماه به فضاهای مجازی فرهنگسرای خانواده به نشانی @Farhangsara_khanevade و @Ketabkhanekhanevade مراجعه کنند.



یادمان شهدا

چلچراغ در فرهنگسرای عطار نیشابوری

به مناسبت فرا رسیدن چهلمین سالگرد آغاز دفاع مقدس و برای انتقال اهداف و ارزش های دفاع مقدس به نسل جدید، ویژه برنامه فرهنگی و هنری با عنوان «چلچراغ» از سوی فرهنگسرای عطار نیشابوری برگزار می شود. این برنامه با هدف تکریم خانواده شهدا، بیان دلاوری های سربازان جان بر کف در جبهه های نبرد حق علیه باطل، بیان تاریخ دفاع مقدس، پاسخ به شبهات جوانان درباره دفاع مقدس، روایتگری، نمایش فیلم و تجلیل از مادران چشم به راه تدارک دیده شده است. همچنین در فضای مجازی برنامه هایی در قالب کلیپ، فوتو کلیپ، روایتگری و نماهنگ تولید می شود. علاقه مندان به مطالعه و تحقیق درباره تاریخچه جنگ تحمیلی برای تماشای این برنامه ها می توانند به اینستاگرام فرهنگسرای عطار نیشابوری به نشانی farhangsara_attar سر بزنند.

خبر

اجرای خط کشی محوری به مناسبت بازگشایی مدارس

طبق روال هر سال شهرداری منطقه ۶ برای افزایش ایمنی معابر شهری برای تردد دانش آموزان به انجام عملیات زیرساختی اقدام کرده است. معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه ۶ در این باره به همشهری گفت: «امسال مدارس زودتر از موعد همیشگی بازگشایی شدند و به دلیل گرمای هوا امکان اینکه پیش از ۱۵ شهریور نسبت به خط کشی معابر اقدام کنیم، وجود نداشت.»

«محمد عندلیب» بیان کرد: «عملیات خط کشی مقابل مدارس یا در شعاع ۲۵۰ متری آنها، برای جلوگیری از ایجاد ترافیک از ۱۱ شب تا ۵ صبح در دستور کار قرار گرفت که از ۱۵ شهریور آغاز شد. در این طرح بیشتر تمرکز ما روی مدارسی بود که خطوط عابر مشکل دار داشتند یا خط عابر پیاده نداشتند و یا این خطوط چندان قابل دیدن نبودند.»

او ادامه داد: «تاکنون خط کشی های محوری ۶۲ مدرسه انجام شده و ۳۴ مدرسه هم با انجام همه عملیات ترافیکی همچون آرام سازی ترافیکی و نصب علائم عمودی و افقی ایمن سازی شده است.»

به گفته معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه ۶، علاوه بر خط کشی محوری ۱۵۰ نوشتار «مدرسه» و «احتیاط» در نزدیکی مدارس ثبت شده است.

عندلیب با اشاره به وجود ۱۹۳ مدرسه در منطقه گفت: «از این تعداد، ۳۴ مدرسه که به نوعی حادثه خیزتر از سایر مدارس بودند، با کمک پلیس راهور شناسایی شدند و در اولویت اجرای عملیات زیرساختی قرار گرفتند که شامل نصب تابلو، خط کشی محوری، ایجاد سرعتگیر و برخی اقدامات ایمنی دیگر بود.»

این مسئول بیان کرد: «از زمان اجرای عملیات تاکنون ۸۰ کیلومتر خط کشی محوری با اولویت حریم مدارس انجام شده است.»

فیلم

دفاع مقدس در چهل قاب

اگر به تماشای فیلم های ژانر جنگ و دفاع مقدس علاقه مند هستید، تماشای ویژه برنامه «دفاع مقدس در چهل قاب» فرهنگسرای سرو را در فضای مجازی به شما پیشنهاد می دهیم. در این برنامه ۴۰ فیلم سینمایی شاخص با موضوع دفاع مقدس که طی سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۸ تولید شده معرفی می شود. همچنین در ادامه برنامه محتوا و کارگردانی و نکات فنی این فیلم ها مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. برای تماشای این برنامه کافی است به فضای مجازی فرهنگسرای سرو مراجعه کنید.